

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۳۹ / سال چهاردهم / آذر ۱۴۰۳ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



اعتصاب حق قانونی و انسانی طبقه کارگر است!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۳۹ / سال چهاردهم / آذر ۱۴۰۳ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد. در این شماره می خوانید:



اعتصاب حق قانونی و انسانی طبقه کارگر است!



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری
ایران کاری از کارگران سندیکایی
ایران، بر اساس منشور جهانی
سندیکاهای کارگری در راستای
تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر
۱۳۹۰/ چاپ تهران
(چاپی و الکترونیکی)

- سندیکای کارگران فلز کارمکانیک
- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی
- سندیکای کارگران نقاش و تزئینات
- سندیکای کارگران بنا
- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>
vsyndica@gmail.com
s_felezkar@yahoo.com
gmail.com@sfelezkar1961
www.sfelezkar.com
irunionmessenger@gmail.com

- اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱
- گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۶
- یکشنبه های پر شورتر از همیشه، اعتراض! ص ۱۷
- کودیر در همبستگی عملی با مردم ایران ص ۱۹
- مصاحبه مسوول سندیکای کارگران فلزکار با خبرگزاری ایلنا ص ۲۱
- مصاحبه بازنشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا ص ۲۳
- ثروت ملی مردم کجاست!!!! ص ۲۶
- مافیا این روزها چه می کند!!!! ص ۲۷
- قانون کار بی ضمانت ص ۲۷
- آقای میدری راه غلط نشان ندهید! ص ۲۹
- بی عرضه نیستی، قاطع در مقابل دزدان نیستی! ص ۳۰
- آقای پزشکیان دست بزن!! ص ۳۰
- سخنانی چند دربارہ فساد در بیمه عمر! ص ۳۱
- محمد اسدی چه می گوید!!!! (۱) ص ۳۳
- چادر ملو بعد از اعتصاب! ص ۳۴
- مراسم فرمایشی سالروز تصویب قانون کار! ص ۳۴
- نمایش قانون عالی ادامه دارد! ص ۳۵
- بازنشستگان می خواهند بداند!! ص ۳۶
- بازنشستگان خواهان همسان سازی کامل هستند! ص ۳۷
- مصاحبه مدیر عامل تعاونی مسکن کارگران فلزکار با خبرگزاری ایلنا ص ۳۸
- گرانی تا به کجا!!!! ص ۳۹
- نقش سیاست های نئولیبرالیستی در خودکشی ها! ص ۴۰
- قسم حضرت عباس ربیعی قابل باور نیست!! ص ۴۲
- فساد مالی اساس اصلی نئولیبرالیسم! ص ۴۳
- همسان سازی یا مرگ ندریچی بازنشستگان! ص ۴۴
- چرا فساد هست!!!! ص ۴۵
- اعتراف وزیر کار در خصوص ما فیا! ص ۴۶
- خدمات حکومت ملی آذربایجان به زحمتکشان ایران! ص ۴۹
- ادبیات کارگری - ۶ ص ۵۴
- پر فورنس ریتیم صفر! ص ۶۳

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس @کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران مراجعه کنید.

امروز سوریه، فردا ایران!!!

نئولیبرالیسم، جنایتکاری را برکنار و تروریستی را بر سوریه حاکم کرد تا اصل بی قانونی را که اساس نئولیبرالیسم است را ثابت کند. نئولیبرالیسم در سوریه به دنبال ذخایر نفت و مواد معدنی، بدست گرفتن بخش ژئوپولیتیک منطقه و از همه مهمتر ادامه روند تثبیت نادیده گرفتن قوانین بین المللی را که از سالها پیش در پیش گرفته و در غزه و لبنان ادامه داده، در سوریه قاطع تر به سرانجام برساند. نابودی کلیه زیر ساخت های امنیتی ارتش و بی دفاع کردن مردم سوریه در مقابل هرگونه کشتار، تجاوز به سرزمین سوریه و ضمیمه کردن جولان با رای مجلس پلید خود، ترور دانشمندان سوری که با سیستم نئولیبرال همکاری نمی کنند، کشتار جمعی هرگونه مقاومت و ایجاد گورهای دست جمعی که کم و بیش فیلم هایش بیرون می آید آن هم با ایجاد سانسور مطلق و زیر پا گذاشتن همه قوانین بین المللی و حقوق بشری که از جنگ غزه شروع شده بود، چهره عریان نئولیبرالیسم را نشان می دهد. حاکم کردن موجودات ماقبل تاریخ به مردم سوریه از سوی جامعه نئولیبرال جهانی که نه تنها با زیر پا نهادن حقوق بشر و مصوبات سازمان ملل مشکلی ندارند روی دیگر نئولیبرالیسم دلچک ماب حقوق بشری را نمایان می کند که خود نیز زابیده بی قانونی هستند.

اگر امروز در کشور ما نئولیبرالیسم نرم رفتار می کند و به دنبال زدودن بسیاری از قوانین به مشاورت موسی غنی نژاد استاد دانشگاه امام صادق و درس خوانده فرانسه است و در مورد افزایش اعدام های جوانانی که در ۵۶ سال بعد از انقلاب بالیده اند سکوت می کند، اگر قانون برای نابودی تامین اجتماعی تصویب می کند و سرکوب هرگونه تظاهرات مزدبگیران را می دهد، به سانسور و فیلترینگ علاقه و حشیانه دارد، فقط به این دلیل است که جامعه ایران در مقابل تیم تفکر ضد انسانی ایستاده و اجازه بیش از این بی قانونی را نداده است و گرنه با ما نیز همچون رژیم طالبان در افغانستان و مردم سوریه رفتار می کردند. فکر نکنید که این بی قانونی ها فقط مختص خاورمیانه است، به کودتای کره جنوبی نگاهی بکنید. در آمریکا دادگستری پرونده ترامپ را با همه کثافتکاری هایش، مختومه می کند، بایدن پسرش را عفو می کند، اروپا در یک

همدستی آشکار و برخلاف همه قوانین بین المللی لوله گاز روسیه را منفجر می کنند تا شرکت های خصوصی گاز از سرما کشیدن شهروندانشان با بالا بردن قیمت گاز، پول پارو کنند. برای نئولیبرال ها جان حتما مردم اروپا نیز ارزش ندارد و فقط سودجویی اصل وجودیش است. ایلان ماسک با خرج کردن میلیون ها دلار در روزهای انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات آمریکا را به سیرک تبدیل می کند و به همه قوانین انتخاباتی دهن کجی می کند تا نشان دهد پول یعنی همه کاره نئولیبرالیسم.

آری نئولیبرالیسم به سودش است که جنایتکاری را برکنار و تروریستی را که در آمریکا برای سرش جایزه تعیین شده را به دوستی برگزیند و قوانین خود را زیر پا نهاده با کمال وقاحت به مردم سوریه تحمیل کند.

مبارزه با همه مظاهر نئولیبرالیسم در همه سوی جهان، چه در ایران، چه در سوریه و لبنان و غزه، و وظیفه همه زحمتکشان به ویژه سندیکالیست هاست. باید آماده شد، حال که این نئولیبرالیسم وحشی با همدستی ناتو، آمریکا، اسرائیل، ترکیه به کشورمان نزدیک تر از همیشه شده اند و همدستان پلیدشان در اتاق بازرگانی و موسسه نذر و اشتغال اصفهان تلاش دارند بی قانونی را در ایران حاکم کنند وظیفه همه مزدبگیران چه کارگر، مهندس، پرستار، آموزگار، وکیل، دانشجو، خانه دار.... است که لحظه را در یابیم و با ایجاد سندیکا‌های کارگری و تشکل های مردم نهاد، آماده این رویارویی با آدمخوران ماقبل تاریخ چه از خارج کشور و چه در داخل کشور که به ما هجوم آورده اند، شویم. رنج و مرگ زحمتکشان برایشان ایجاد سود می کند، این راه را ببندیم.

ایجاد تشکل های مردمی تنها راه مقابله با نئولیبرالیسم افسار گسیخته است .

نئولیبرالیسم وحشی را شکست خواهیم داد این را فلسفه کارگری می گوید.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ۲۷ آذر ۱۴۰۳

ابراهیم مددی چرا زندان است!!!؟؟



ابراهیم مددی کارگر برقکار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و بازنشسته حداقل بگیر تامین اجتماعی است. او از اولین تلاشگران شرکت واحد بود که برای بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به میدان آمد و با سخنرانی های خود کارگران را برای بازگشایی سندیکا و دستیابی به حقوق کارگری آشنا نمود و به همین دلیل مورد نفرت و ضرب و شتم خانه کارگری ها در سال ۱۳۸۴ و در محل سندیکای کارگران نانوا واقع در میدان حسن آباد قرار گرفت. به همین دلیل با انتخابات شکوهمند سندیکا به عنوان دومین نفر آرای ریخته شده منتخب کارگران گشته و به عنوان نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه انتخاب شد. این انتخاب بی دلیل نبود. اعتبار، سخت کوشی برای منافع کارگران، شجاعت در بیان خواسته ها و ایستادگی بر روی اصول سندیکایی در طول ۲۰ سال کار در شرکت واحد از او چهره ای محبوب و قابل احترام میان کارگران، رانندگان و کارکنان شرکت واحد ساخت.

او یکی از رهبران خوش فکر جنبش سندیکایی است که آموزش های خردمندانه اش او را به جایگاه بی بدیلی در سندیکای شرکت واحد و جنبش سندیکایی تبدیل کرده است. پس از آزادی از زندان در سال ۹۴ با همراهی فعالین و اعضای هیأت مدیره و رهبری سازنده اش، سندیکای کارگران شرکت واحد را جانی دوباره بخشید. با رهبری او کارگران شرکت واحد با تجمعات بیش از ۳۰۰ نفره خود

خواسته های بر حق کارگران را بر کرسی نشانده و وضعیت نسبتن مطلوبی برای دستمزدها و موضوعات رفاهی را که از ابتدای فعالیت سندیکا شکل گرفته بود، بهبود بخشیدند. به ویژه نقش اتحاد گرایانه ابراهیم مددی و آموزش های سندیکایی او در جلسات برای مافیای لانه کرده در حاکمیت گران آمده با پرونده سازی برای او و دیگر اعضای هیات مدیره سندیکا تلاش کردند با حبس آنان جنبش سندیکایی را با خلل مواجه کنند.

این پیر سندیکایی در ۲۱ مرداد سال جاری دستگیر و برای چندمین بار روانه زندان شد تا کارگران از آموزش هایش محروم بمانند. متأسفانه او به دلیل بازجویی های متعدد و سنگین در طول بازداشت ها به بیماری های دیابت، فشار خون، نائشوائی از یک گوش دچار شد که این بیماری ها در شرایط سخت زندان و سن بالای او خطرناک است.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران به پشتیبانی از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن اعتراض چندباره به دستگیری کوشندگان سندیکایی خواهان آزادی فوری ابراهیم مددی، داوود رضوی از سندیکای شرکت واحد، مهدی توکلی از سندیکای فلزکار مکانیک، اسماعیل گرامی، شریفه محمدی، انیسا اسدالهی، ریحانه انصاری نژاد، ناهید خداجو، نسرین خضر جوادی، سپیده قلیان، عثمان اسماعیلی و آموزگاران و وکلای دربند هستیم.

آزادی برای همه بهبودخواهان ایران عزیز

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

بازنشستگان متحد تهران (فلزکار، بافنده سوزنی، چاپ، شهاب
خودرو، فیلکو) / بازنشستگان مستقل قزوین / بازنشستگان مستقل
رامهرمز / بازنشستگان مستقل گیلان ۱۵ آذر ۱۴۰۳

یلدا شادباش!



حتا وقتی که نیستی

روبروی ما ایستاده ای

چراغ را در تاریکی بالا گرفته ای

و راه را به ما نشان میدهی

فریبرز رییس دانای عزیز نیستی اما، طنین صدایت طلسم یلدا را شکست. از
شما سپاسگزاریم

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۴۰۳/۹/۳۰

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش های کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور

بیمه تکمیلی آواری بر سر کارگر ذوب آهن!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه بیمه تکمیلی دانا مدت زمان قراردادش با کارگران و بازنشستگان ذوب آهن به اتمام رسیده اما هنوز در دسره‌های این بیمه تکمیلی گریبانگیر بیمه شده‌های ذوب آهنی است. کارگران ذوب آهنی که از دریافت هزینه‌های درمان خود توسط این مافیای بیمه تکمیلی به جان آمده اند طی نامه‌ای به مدیریت ذوب آهن درخواست نموده‌اند: «مدیریتی که این بیمه را به زور به کارگران تحمیل کرده است موظف است برنامه ریزی جهت تعیین تکلیف و پرداخت هزینه‌های بیمه تکمیلی دانا را هرچه سریعتر مشخص

کند» مافیای درمان که از درد و رنج مردم به دنبال سودجویی هستند، چنین بیمه‌های را وارد زندگی کارگران و بازنشستگان نموده و با زد و بند اجازه هر کاری را به این بیمه‌های تحمیلی می‌دهند.



کارگران ایران خودرو به کجا شکایت برند!؟؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه سالهاست از زمان طبقه بندی مشاغل در ایران خودرو می‌گذرد و مدیریت برای گول زدن کارگران، کارگروهی برای طبقه بندی مشاغل نه تنها در ایران خودرو بلکه در سراسر شرکت‌های تابعه ایجاد نموده اما همچنان خبری از طبقه بندی مشاغل نیست. کارگران ایران خودرویی به ویژه کسانی که در شرف بازنشستگی هستند منتظر اجرایی شدن این طبقه بندی و مخصوصاً همه کارگران شرکت‌های تابعه می‌خواهند ببینند در تهران چگونه این طبقه بندی اجرا می‌شود تا با تاسی از این طبقه بندی در شرکت‌های خود نیز اجرایی کند. تعلل مدیریت ایران خودرو و پاسخگو نبودن در این خصوص و گران شدن محصولات ایران خودرو طی یک شب کارگران را با این پرسش روبرو ساخته که از این گران شدن ما را چه حاصل؟؟ مدیریت در حالی از نبود منابع مالی در خصوص طبقه بندی مشاغل سخن می‌گوید که کارگران سه شیفیت در حال کار هستند و محصولات قبل از تولید پیش فروش شده‌اند. برای کارگران این معماست که این سودها به جیب چه کسانی می‌رود؟؟ گران شدن‌های ۱۰۰ میلیونی خودروها آیا منجر به طبقه بندی مشاغل خواهد شد؟؟ طبقه بندی مشاغل حق کارگران است و بخش جدایی ناپذیر دستمزد آنان است. طبقه بندی مشاغل باعث افزایش دستمزدها نسبت به مهارت و سابقه کارگر باید اجرا شود.

مصیبت های کارگران ایران خودرو تمامی ندارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران ایران خودرو با انواع مشکلاتی که مدیریت برایشان ایجاد می کند، روبرو هستند از اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل تا ۲ سال انتظار برای بازنشسته شدن برای مشاغل سخت و زیان آور. در هفته های اخیر با کارگران با مشکل دیگری روبرو شدند آنهم تاخیر در پرداخت هزینه های بیمه تکمیلی که فرار بود ۲ هفته ای پرداخت شود که تاکنون بیش از ۳ هفته از این تاخیر گذشته و هنوز خبری نیست. از سوی دیگر مشکل کفش های ایمنی خریداری شده از سال گذشته هنوز حل نشده و کارگران با آنکه بارها به مدیریت نامه نوشته و حتی کفش ها را به انبار پس فرستاده اند اما مافیای خرید، از زیر بار این خرید غلط شانه خالی کرده و به هر کارگری می گویند: «شاید پای تو اشکال دارد این کفش ها استاندارد هستند» با آنکه کارگران زیادی از قسمت های مختلف به این کفش های معیوب اعتراض کرده و به مدیرعامل هم نامه نوشته اند اما اتفاق مثبتی در این خصوص نیفتاده است. مافیا اینگونه القا می کند که بالاتر از مدیرعامل است.

اخبار کارگران پروژه ای نفت و گاز



۱- پیمانکاران خلافکار را به سندیکای کارگری معرفی کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار «سازه ور» از شرکت سازه پاد و مستقر در نفت ستاره بندرعباس کارگر استخدام می کند ولی قوانین اولیه وزارت نفت و کمپین را رعایت نمی نماید. این پیمانکار دغلكار نه تنها از دادن وسایل خواب (پتو، بالش و...) و کفش کار، لباس کار، عینک، ماسک، دستکش خودداری می کند بلکه به کارگر حکم می کند: «این وسایل را باید خودت بیاوری و اگر نداری ما به شما می دهیم و از دستمزدتان مبلغش را کم

می‌کنیم» با این منطق لباس، پتو، کفش دست دوم به کارگر داده می‌شود ولی با کارگر با قیمت نو محاسبه می‌کند. اما بیشرقی این پیمانکار از آنجا بیشتر می‌شود که کارگر وقتی وضعیت افتتاح کار و کارگاه را می‌بیند و ترک کار می‌کند، ریالی به او نمی‌دهد و از کارگاه بیرون می‌کند. با این روش کارگران و به ویژه کارگران داربست بند را مجانی کار کشیده و کار خود را به پیش می‌برد. اگر کارگر سماجت کند به زور یک میلیون تومان به او داده و دیگر جواب تلفن‌های کارگر را نمی‌دهد. کارگران با این شیوه کثیف حداقل ۵ میلیون تومان فقط بابت رفت و آمد و طب کار ضرر می‌کنند. متأسفانه کارگران وقتی به حراست متوسل می‌شوند که باید اینگونه حق خوری‌ها را به بازرسی و مدیریت گزارش کند خود یک پای حق خوری و همدستی با پیمانکاران خلافکار شده است. به همه کارگران توصیه می‌کنیم قبل از رفتن به سر هر کاری قبلاً از سندیکای کارگری و دوستان گروه پایبند و اکیپ پروژه‌ای‌ها پرس و جو کنند و اگر پیمانکاری مورد تایید بود برای کار اقدام کنند. به این وسیله به همه کارگران اعلام می‌کنیم پیمانکار خلافکار «سازه ور» از شرکت سازه پاد تحریم کارگری است و هیچ کارگری برایش حق کار کردن ندارد. لطفن به دوستان کارگر دیگر هم اطلاعیه سندیکای کارگری را اعلام و این پیمانکار را رسوا کنید تا هیچ کارگری برایش کار نکند و تا از پروژه‌ها حذف شود.

۲- وضعیت برخی از پروژه‌ها بعد از کمپین!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یکی از رهبران کمپین طی نامه‌ای وضعیت برخی از پروژه‌ها را چنین توصیف کرده است: «درود مازیار جان وقتت بخیر خوبی؟ سلامتی؟ خداوکیلی شما تمام تلاش تون رو می‌کنید ولی اگر امکان دارد سری به پروژه‌ها بزنید واقعا در حق کارگرها داره ظلم میشه از بحث غذا و سرویس و خوابگاه که افتتاح هست، بگذریم. پرداختی‌ها حداقل سه ماه به بالا عقب افتاده و بیمه‌ها یا پرداخت نمیشه یا اینکه کارگر ساده به بیمه ارسال می‌شود. هیچکس جوابگو نیست هیچکس حق اعتراض نداره. اداره کار هم نزدیک نمیداد برای بررسی. بازرسی بیمه هم که اصلاً نیست بازرسی بهداشت هم نداریم و.... نزدیک به سه چهار ماه تا عید مونده بعضی شرکت‌ها برج ۶ و ۷ رو ندادن یعنی آخرین پرداختی برج ۵ بوده. سفره کارگر روز به روز داره کوچیکتر میشه خودکشی‌ها زیاد شدن. شرمندگی پدران زیاد شده، دزدی زیاد شده اکثریت خلافکارهای جامعه متأسفانه از خانواده کارگر بلند میشن. زبان قاصر از سخن گفتن اما حقایق رو باید دید و چاره‌ای اندیشید. باید پرداختی دستمزدها بیوقته رو روال و سر هر ماه کارگر دستمزد ماهانه‌ش رو سر وقت بگیره. شما کاملاً در مورد نئولیبرالیسم درست میگی اینو قبلاً فرستاده بودی خونده بودم ولی ما که فعلن نمی‌توانیم تنوری نولیبرالیسم را تغییر دهیم ولی می‌توان به ریشه اصلی این معضل پرداخت. حتا اگر پرداختی‌ها به موقع پرداخت شه و قراردادها با نفرات با توجه شغل شون حتا اگر چند ماهه هم باشد، با پرداخت به موقع دستمزدها میزان

خسارت های وارده بر خانواده های کارگران را از نصف هم کمتر می کند. گزارش دیگه از این بدتر که ۹۰ درصد پروژه ها مخصوص پروژه های سیرجان و کرمان و پترو پالایش کنگان ایستگاه گاز علامرودشت کوه هما و.... هنوز برج ۶ و ۷ دستمزد کارگران رو ندادن. درسته بیکاری زیاده و پیمونکارا دارن سواستفاده می کنند ولی سندیکا مرتب باید در مورد گرفتن دستمزد سر هر ماه و تحریم کارگری پیمونکارا محکمتر عمل کنه. پرچم سندیکا بالاست»

۳- ایمنی بخش مهم دستمزد همه کارگران!

در پروژه های مناطق نفت و گاز آغاچاری (نمزدایی و فشارافزایی) عدم اجرای ماده ۳۴ قانون کار بلای جان کارگران پروژه ای شد.

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت های پروژه ای فعال در مناطق نفت و گاز آغاچاری به هیچ وجه ماده ۳۴ قانون کار را رعایت و اجرا نمی کنند. به عنوان مثال شرکت پروژه های پیدک که پیمانکار طرح و اجرای پروژه ای نمزدایی و نمکزدایی فازهای ۱_۳_۴_۵ منطقه ای آغاچاری را عهده دار می باشد و مشغول به فعالیت هست. در این شرکت بخشهایی از کارهای پروژه را بصورت دست دوم به پیمانکار واگذار کرده که کارگران زیر مجموعه این پیمانکاران به علت عدم در اختیار گذاشتن سرویس ایاب و ذهاب از شهرهای امیدیه، میانکو، آغاچاری، جایزان، رامشیر، رامهرمز، لیکک و بهبهان مجبور هستند با وسایل نقلیه شخصی (کرایه ای) یا موتور سیکلت به محل کار مراجعه تا مشغول به کار بشوند. به گزارش خبرنگار سندیکا، در تاریخ ۵ مرداد ۱۴۰۳ مرحوم سعید نریموسایی کارگر سایت ۴ شرکت پیدک پیمانکاری انرژی ایران بدلیل نبود سرویس ایاب و ذهاب درحالی با موتور سیکلت عازم محل بود که منجر به تصادف و مرگ این کارگر شد. همچنین در تاریخ ۱۱ آذر ۱۴۰۳ به همین شکل عماد عموری از شرکت پیدک پیمانکاری رضائی با موتور سیکلت از پل مسیر سقوط کرده که بعد ۱۲ ساعت تجسس جسد بی جان ایشان زیر پل پیدا شد. در همین راستا چندین مورد تصادف جاده ای با وسیله نقلیه شخصی بود که منجر به جراحت برداشتن عمیق کارگران بی پناه شده و میلی متری از مرگ حتمی جان بدر برده اند. همچنین پیمانکاران مذکور هنوز حقوق مردادماه ۱۴۰۳ کارگران را پرداخت نکرده اند. سرویک وعده غذای گرم بسیار افتضاح و کیفیت ارزش غذای در حد صفر می باشد. حال سوال از واحد بازرسی اداره کار به مرکزیت شهرستان امیدیه این است: با وجود این همه تخلف آشکار در منطقه فلسفه وجودی شما چیست و برای چه حقوق ماهانه می گیرید؟* آیا با این چشم پوشی شب با وجدان آسوده در کنار خانواده به سر می برید و سر به بالین می گذارید؟ طبق ماده ۱۵۲ قانون کار؛ در صورت دوری کارگاه و عدم تکافوی وسیله نقلیه عمومی، صاحبکار باید برای رفت و برگشت کارکنان خود وسیله نقلیه مناسب در اختیار آنان قرار دهد.

۴- تحریم کارگری ۲ شرکت پیمانکاری!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا: ۱- شرکت شیمی گستر انشان مستقر در پروژه های دهلران و مخازن سبز به مدیریت برادران عیسا، پرویز، یوسف نوذریور که پیمانکار پایبند هستند دستمزد کارگران خود را ندادند و با وعده های دروغین از پرداخت دستمزدها طفره می روند. این برادران نوذریور از مخالفین کمپین و سندیکای کارگری بوده و از توهین و تبلیغ علیه مقررات کمپین به ویژه از اردیبهشت سال جاری، ابایی ندارند. ۲- شرکت آبادرآهان پارس در عسلویه پس از اعتصاب ۳۰ نفر از نیروهای ایمنی خود به دلیل حقوق کم و شرایط افتضاح کاری و رفاهی، آنان را بدون تسویه حساب اخراج و با زدن آگهی استخدام نفرات ایمنی جدید، علیه اعتصاب کارگران وارد عمل شده و برای تفرقه افکنی تلاش کرد کارگران اعتصابی را به هم بدبین کرده و جدا جدا با آنان تماس گرفته تا آنان را به سر کار برگرداند که با هوشیاری کارگران این برنامه بی‌شرمانه شکست خورد. با این اخباری که کارگران به سندیکای کارگری دادند از همه کارگران پایبند کار و ایمنی می خواهیم این دو شرکت را تحریم کارگری کرده به دیگر کارگران هم اطلاع رسانی کنند تا از کارکردن برای این شرکت های بی شخصیت و توهین کنندگان به رهبران کمپین و سندیکای کارگری کار نکنند تا بدون کارگر مانده و پروژه ها از وجود پلیدشان پاک شود.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و گروه پایبند و اکیپ پروژه ای ها بنیان گذار و مجری کمپین ها تاکنون.

۵- قابل توجه کارگران داربست بند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت های جهان پارس، کیسون، اکسیر، سازه پاد، پارس حساس، به کارگران داربست بند خود برای ۲۳ روز کار بین ۲۰ تا ۲۳ میلیون تومان دستمزد می دهند. این حقوق یک کارگر کمکی برای ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت طبق مقررات کمپین است. دوستان کارگر، شخصیت کارگری خود را حفظ کنید و به خانواده خود فکر کنید. چرا یک کارگر داربست بند که باید دستمزد ۴۵ میلیونی بگیرد با نصف دستمزد کار کند؟؟ آن هم در ارتفاع و با مرگ دست و پنجه نرم کند؟؟ اگر هیچ کارگری برای این شرکت های پلید کار نکنند آیا پیمانکاران می توانند خودشان رفته داربست ببندند و کار را پیش ببرند؟؟ تا زمانی که شما اراده نکنید هیچ داربستی علم نخواهد شد. به همه کارگران داربست بند اطلاع دهید این شرکت های ضد کمپین و ضد کارگر و سوذجو تحریم کارگری هستند و هیچ کارگری نباید برای این شرکت های پلید کار کند تا بدون کارگر مانده یا قوانین کمپین را رعایت کنند و یا اینکه از پروژه های نفت و گاز و پتروشیمی بیرون انداخته شوند. تصمیم با شماست و سندیکای کارگری پشتیبان همیشگی شما.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها

۶- کارگران پروژه ای مقررات کمپین را رعایت کنند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نادیده گرفتن مقررات کمپین از عادت های ناپسند کارفرمایان است اما کارگران نبایستی اجازه بدهند این دستاوردهای کارگری به این آسانی مورد دستبرد پیمانکاران قرار بگیرد. شرکت انرژی افرا مستقر در پالایشگاه اصفهان دستمزد کارگزارانش را از مرداد ماه پرداخت ننموده و هرچه کارگران طلبکار به این شرکت بدنام زنگ می زنند با پاسخ گستاخانه: «برید شکایت کنید» روبرو می شوند و در این میان پیمانکار امیر کاووسی «تیکه ای» از همه بیشتر شرافت خود را می فروشد. اما سخن با کارگران است که بارها گفته ایم که پیمانکار و یا شرکتی که نمی تواند یک ماه دستمزد کارگر را بدهد چگونه می تواند ۳ ماه و یا بیشتر را پرداخت کند؟ این ترفند کهنه برای این است که پیمانکار خود را به «موش مردگی» بزند و یا «خرش را که از پل گذراند» برای کارگران «گربه رقصائی» کند و از دادن بدهی خود طفره برود. پرداخت «دستمزد سر هر ماه» با مبارزه سراسری کمپین هر ساله به یک دستاورد تبدیل شده است و نباید بگذاریم پیمانکاران این دستاورد را از بین ببرند. از همه کارگران می خواهیم به اطلاع همه کارگران برسانند که شرکت انرژی افرا در مورد پالایشگاه اصفهان تحریم کارگری است و کسی نباید برای این شرکت کار کند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها

۷- مگر کارگران چه می خواهند که در مغایرت با حقوق انسانی قرار دارند؟

کارگران برای ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری به عنوان یک اصل بدیهی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر مبارزه می کنند که کشور ما هم آن را امضا کرده اند. زحمتکشان خواهان آنند که حقوق معوقه آنها را کارفرمایان مورد حمایت دولت سر هر ماه بپردازند، با آنها برای برنامه ریزی زندگی و تامین آتیه شان قراردادهای دائمی با دستمزدهای کافی و منصفانه امضا کنند. کارگران می دانند قراردادهای کوتاه مدت را که به پیمانکاران امکان برده داری مدرن را می دهد، باید لغو شود، شرایط ایمنی کار استاندارد باشد، حقوق بیکاری مکفی به آنها بدهند، امکانات بهداشتی آنها را فراهم کنند. کارگران آگاهند که اخراج خودسرانه و بی رویه آنها از محل کار باعث عدم امنیت شغلی و روحی و روانی خود و خانواده شان شده و باید حذف شود. کارگران می خواهند پیمانکاران موظف شوند که به رعایت قوانین و آیین نامه های مربوط به ساعات کار و کاهش این ساعات به خاطر گرمای بالای ۵۰ درجه در بخش هایی از جنوب ایران تن در دهند و به آن احترام بگذارند. ... این خواست ها منطقی

و انسانی است و هر انسان با وجدانی باید از آنها نه تنها خود حمایت کند، بلکه از مبارزاتی که برای تحقق این خواست ها انجام می گردد از هر نظر به ویژه مالی و تبلیغاتی حمایت نماید. کارگران اعتصابی ایران بارها گفته اند که دفاع از حق کار و حقوق کارگر دفاع از حقوق بشر است و سرکوب کارگر نقض آشکار این حقوق می باشد. کارگر پروژه ای توحید

خبرهایی از تلاش های کارگران نفت و گاز

۱- حقوق عادلانه حق مسلم ماست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از مدتها بدقولی مسولین و کنار گذاشتن نماینده کارگران نفت در شورای عالی کار ، امروز ۶ آذر با فراخوان داده شده توسط نمایندگان کارگران بیش از ۳ هزار کارگر ارکان ثالث در پارس جنوبی با خانواده های خود در مقابل ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی (فازهای ۲ و ۳) تجمع کرده اعتراض خود را به نادیده گرفتن حقوق ضایع شده اعلام کردند. این کارگران عدالت در نظام پرداخت حقوق ها در شرایط یکسان را خواستار و علیه اجرا نشدن خواسته های قانونی خود به ویژه طبقه بندی مشاغل و برکناری علیرضا میرغفاری نماینده بر کنار شده سان در شورای عالی دستمزدها شعار دادند. درود بر کارگر نفت ما کارگر دلیر و سر سخت ما



۲- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از مدتها بدقولی مسولین و کنار گذاشتن نماینده کارگران نفت در شورای عالی کار ، امروز ۶ آذر با فراخوان داده شده توسط نمایندگان کارگران بیش از ۳ هزار کارگر ارکان ثالث در پارس جنوبی با خانواده های خود در مقابل ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی (فازهای ۲ و ۳) تجمع کرده اعتراض خود را به نادیده گرفتن حقوق ضایع شده اعلام کردند. این کارگران عدالت در نظام پرداخت حقوق ها در شرایط

یکسان را خواستار و علیه اجرا نشدن خواسته های قانونی خود به ویژه طبقه بندی مشاغل و برکناری علیرضا میرغفاری نماینده برکنار شده سان در شورای عالی دستمزدها شعار دادند. درود بر کارگر نفت ما کارگر دلیر و سر سخت ما



۳- مدیران نفت و گاز در چه فکری هستند؟؟

به گزارش خبرنگار پیام، کارگران ارکان ثالث از فرسایشی کردن خواسته ها و امروز و فردا کردن مدیران در پاسخ به مطالباتشان که فقط به دنبال دلسرد کردن کارگران هستند، آگاهند. چهار سال از ابلاغ طرح طبقه بندی و صراحت قانون در الزام شرکت ها به رعایت مفاد آن که قانون کار را ملاک قرار داده، است می گذرد. متأسفانه شاهد محاسبات اشتباه فوق العاده های حقوق شان هستند. این در حالی هست که رای 3188 و ابلاغ وزارت کار در خصوص شفاف سازی ماده ۳۴ قانون کار نیاز به هیچ استعلامی نداشته و بسیار شفاف است. اینکه مدیران ارشد ضمن برگزاری جلسات متعدد، با بی اعتنایی و بی مسئولیتی تمام مدام در حال پاس کاری مطالبات قانونی پرسنل هستند، تعجب آور است. مدیران مربوطه با زمان خریدن، نادیده گرفتن، بی اهمیت دانستن حق و حقوق کارگران، انگیزه کار را از پرسنل گرفته و در پی استقرار بی عدالتی هستند تا کارگران و ادار شوند و واکنش نشان داده با این بهانه سرکوب ها آغاز شود. از سوی دیگر ساعت اضافه کاری پرسنل عملیاتی شاغل

در سکوه‌های دریایی با توجه به کار شبانه روزی ۲۴ ساعته از همکاران خود در خشکی، پالایشگاهها و منطقه ویژه که فقط ۱۲ ساعت در محل کار حضور و مسؤلیت دارند کمتر بوده و مشمول آئین نوبت کاری نشده اند. آیا نباید به این بی عدالتی معترض بود؟؟ حق ایاب و ذهاب افرادی که امکان استفاده از وسایل نقلیه عمومی (پرواز_ اتوبوس) را ندارند پرداخت نمی شود چرا؟؟ و دیگر مطالباتی که آقایان حاضر به شنیدن آن هم نیستند... شورش خاتمه مدیران ناشناس به مسایل کارگری نفت و گاز نه تنها هیچ راه حلی را برای این اعتراضات ندارند بلکه با بی اعتنائی تلاش دارند پای نیروهای امنیتی را به مراکز تولید بکشند تا خود همچنان در صندلی خود به ناحق بنشینند. آری این مدیران بی عرضه با پنهان شدن در پشت نیروهای امنیتی تلاش دارند ناکارآمدی خود را لاپوشانی کنند. اما در عرصه کار هیچکسی نمی‌تواند لاف زن بماند. کارگران بی هیچ تردیدی از خواسته های خود نخواهند گذشت و اگر قرار است کسی از نفت و گاز بیرون برود این مدیران بی لیاقت هستند.

۴- با کارگران نفت بازی نکنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در تاریخ ۱۸ آذر ماه نمایندگان کارگران و کارکنان ارکان ثالث اعم از شرکتی و پیمانکاری با مسوولین وزارت نفت در تهران دیدار کرده و مطالبات خود را از قبیل: «اجرای رای ۳۱۸۸ دیوان عدالت اداری، اصلاح طبقه بندی مشاغل، اصلاح مالیات، اعطای پاداش کنگره شهید رجایی، اعطای تسهیلات قرض الحسنه، مگا کارت، و امکان استفاده کارکنان ارکان ثالث از امکانات رفاهی اجتماعی صنعت نفت» مطرح کردند. اما آنچه رخ داده است بازی های است که مافیای نفت و گاز در آن استاد است و آن فرسایشی کردن مذاکرات و دلسرد نمودن کارگران و جدایی انداختن بین نمایندگان و کارگران با بی اثر گردن پیگیری های نمایندگان کارگری است. آخرین پیگیری هایی که نمایندگان با دکتر احمدیان انجام داده بودند و ایشان قرار بود در جلسه با مدیر منابع انسانی شرکت نفت آقای قائم پناه موضوع را حل و فصل کند به ناگهان ایشان برکنار شده و همه چیز حداقل تا یکماه آینده متوقف خواهد شد. از سوی دیگر مبالغ نفت کارت و بن کارت و بهره وری، چک هایش برای شرکت های صدر و فاتح صنعت نزدیک به ۱۰ روز است صادر ولی منابع برای تامین پرداخت این چک ها صورت نگرفته و بهانه هایی چون آلودگی هوا و تعطیلی وزارتخانه لقی لقه دهان مدیران گشته است. اینها یعنی بازی با روح و روان کارگران که یا منفعلس شوند و دست از خواسته های خود بردارند یا اینکه به قول علیرضا میرغفاری موضوع مطالبات به حق کارگران را امنیتی کرده و پای افراد غیر مسوول را به سکوها و محیط کاری نفت و گاز باز کنند. باید هوشیار بود. از نمایندگان خواست های کارگران را با جدیت پیگیری کنند. موضوع را فقط به مهمترین مسایل از جمله خواست حذف شرکت های پیمانکاری و شمولیت قوانین استاندارد شرکت نفت به همه کارگران و کارکنان به ویژه ۱۴-۱۴، اصلاح طبقه

بندی مشاغل و برداشتن سقف حقوق و بازگشت میرغفاری به شورای عالی تعیین حداقل دستمزد متمرکز کنند. اصل قضیه این موارد است که دستمزدها را افزایش خواهد داد و مابقی مواردی چون بن کارت و تسهیلات به سهولت انجام شدنی است.

۵- کارگران بی پناه ترین شهروندان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، فردا در استان هایی به دلیل سرما و آلودگی هوا تعطیل اعلام شد. سوال این است: آیا تعطیلی در استان ها شامل کارگران می شود؟؟ و اگر کارگر فردا به سر کار رفت، اضافه کاری حساب می شود؟؟ پاسخ قوانین ضد کارگری: خیر، شامل بخش خصوصی نمی شود ولی کارگران طرف قرارداد با ادارت دولتی تعطیل هستند و در صورتی که با دستور کارفرما اشتغال به کار داشته باشند، مستحق دریافت فوق العاده اضافه کار خواهند بود. این در حالی است که ۹۹ درصد کارگران با پیمانکاران و بخش خصوصی قرارداد دارند و از این تعطیلی نصیبی نخواهند برد. استثمار کارگران باید با شدت و بی نهایت صورت بگیرد و هیچ حقی از شهروند بودن را نخواهند داشت. هر چند که اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی همه آحاد کشور را در برابر قانون یکسان دانسته اما سیستم نئولیبرال حاکم بر کشور، این برابری را شامل زحمتکشانشان، این تولید کنندگان ثروت ملی نمی داند.

۶- تجمعات هوشمندانه، اصل اساسی مبارزه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه در ۱۸ آذر نمایندگان کارگران و کارکنان ارکان ثالث نشستی با مسوولین وزارت نفت داشتند اما این نشست و رویدادهای پس از آن کارگران را قانع نکرد و دو روز بعد کارگران پارس جنوبی نفت و گاز چه در خشکی و چه در سکوهای صدور نفت تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند تا نارضایتی خود را از روند مذاکرات اعلام کنند. در پالایشگاه جم که همسران و فرزندان کارگران نیز در راهپیمایی شرکت داشتند و با جلوگیری حراست روبرو گشت، خشم خود را از آنچه ظلم آشکار علیه کارگران و نادیده گرفتن زحمات آنان و قانون بود، ابراز کردند. آنان بدرستی در شعارهایشان: «مدیر ضد کارگر نمی خواهیم/ این آخرین پیامه، کار شما بدون ما تمامه» رویکرد های خود را به فقر و فلاکتی که به آنان به زور تحمیل می کنند را اعلام کردند. اما اتفاق مهم هوشمندی کارگران است که در دام دسیسه های مافیا نیفتاده و این دسیسه ها را افشا می کنند. علیرضا میرغفاری بدرستی در این تجمع اعلام کرد که: «حراست آگاهانه ما را به رفتارهای خشونت آمیز می کشاند تا با انگ های امنیتی با ما برخورد کنند. ما در چارچوب صنفی حرکت می کنیم و اجازه نمی دهیم با تصمیمات مغرضانه اعتراضات ما را امنیتی جلوه دهند» ضمن ابراز خرسندی از این هوشمندی خواهان و برادران کارگر پارس جنوبی، به آنان یادآور می شویم که می توانند نگاهی به مبارزات اعتصابی کارگران پروژه

ای انداخته تا کمترین هزینه ها را برای مطالبه گری بپردازند و موفقیت را در آغوش بکشند. اعتراضات کارگران ارکان ثالث پس از ۱۷ تجمع هفتگی و یک تجمع سراسری در ۶ آذر، مذاکرات با نمایندگان کارگران در تهران در روز ۱۸ آذر را تحمیل کرد. حال نمایندگان باید با درک شرایط و توازن قوا و به ویژه در هرچه متحد تر کردن کارگران بیشتر، توان چانه زنی خود را بالا برده و در مذاکرات به اصل حذف شرکت های پیمانکاری و ۱۴-۱۴ شدن روزکار و مرخصی و اجرای همه قوانین شرکت نفت برای کارگران و کارکنان بپردازند. نمایندگان نباید با هر قولی اجازه فرسایشی کردن مذاکرات را داده و از حق خود در داشتن نماینده در شورای عالی تعیین دستمزد چشم پوشی کنند. شجاعت، متانت، هوشیاری، همبستگی، آگاهی از خواسته ها مشخصه یک نماینده کارگری است. نماینده ای که فقط به بن کارت چسبیده و از حذف شرکت های پیمانکاری و اصل شرایط برابر با کارکنان رسمی شرکت نفت و ۱۴-۱۴ شدن و طبقه بندی مشاغل درست حرفی نمی زند، نماینده دلخواه کارفرمایان است. تمامی کارگران ایران تا زمانی که آقایان علی خدایی و علیرضا میرغفاری از حذف شرکت های پیمانکاری و طبقه بندی درست و تعیین دستمزد طبق تورم و بند دوم ماده ۴۱ قانون کار برای حفظ قدرت خرید کارگران مبارزه می کنند، از آنان پشتیبانی خواهد کرد.

گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها اجرا کننده کمپین در پروژه های نفت و گاز

یکشنبه های پرشورتر از همیشه، اعتراض!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، هزاران کارگر شاغل و بازنشسته در چندین شهر روز ۹ دیماه به میدان آمده و در اعتراض به مدیریت غلط و وضعیت نامناسب درمان و معیشت، تجمع اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، تهران، رشت و بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان، قائمشهر، اهواز طبق یکشنبه های اعتراضی همه هفته دست به اعتراض زدند. شاغلین نیز در شهرهای ایلام، هفت تپه، ماهشهر، سیرجان، پارس جنوبی، اهواز دست به اعتراض زدند. کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام به نمایندگی از بیش از ۷۳۰۰ نفر در محوطه ستاد دانشگاه تجمع کرده و در اعتراض به وضعیت بی برنامه تعرفه، کارانه، اضافه کاری، حق فنی، حق مسکن، حق لباس، حق غذا و بسته های رفاهی مناسبی تجمع کردند. در میدان نفتی یادآوران کارگران شرکت ایران افق برای چهارمین روز پی در پی در اعتراض به عقب افتادن حقوق ها، تعطیل نشدن پنجشنبه ها، افزایش نیافتن حقوق همانند سایر شرکت ها، اعتصاب کردند. در سیرجان

کارگران شرکت فرآورده های روغنی ایران از عقب افتادن ششماهه دستمزد و بیمه خود تجمع اعتراضی داشتند. کارگران پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر نیز به اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل و اجرا نشدن دستورهای مجمع سالانه اعتراض کردند. در هفت تپه، کارگران در اعتراض به خانم عالی پور یکی از فروشندگان شرکت و از مقصرین اصلی در شکایت کارگران و انتصاب ایشان توسط مافیای لانه کرده در دولت به ریاست خصوصی سازی و همچنین اظهارات خلاف رییس مجلس، قالیباف در خصوص اشتباه بودن خلع ید از مالکان مافیایی این مجتمع، در محوطه کارخانه دست به اعتراض زدند. از سوی دیگر بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان و اهواز و قائمشهر در خصوص اجرا نشدن همسان سازی مطابق آیین نامه مهرماه ۱۴۰۲، در مقابل صندوق های بازنشستگی فولاد تجمع اعتراض آمیز داشتند. بازنشستگان تامین اجتماعی شوش در مقابل فرمانداری با شعارگویی یکی از رزمندگان و برادر یکی از جانب‌اختگان جنگ شعار: «ما می‌گیم حقوق کمه/ قیمت نان گران میشه- روسری رو رها کن/ فکری به حال ما کن» در اهواز بازنشستگان شعار: «جنگ افروزی کافیه/ سفره ما خالیه- دولت سرسپرده/ گرونی رو آورده- اتحاد اتحاد/ علیه فقر و فساد» در رشت همیشه مقاوم بازنشستگان شعار: «تورم گرانی/ بلای جان مردم و اسماعیل گرامی/ آزاد باید گردد» را فریاد زدند. در تهران تجمعی بیش از ۱۰ نفر مقابل تامین اجتماعی و گروهی بیش از ۲۰ نفر برای اعتراض به بیمه های تکمیلی، همسان سازی غلط، پولی شدن بیمارستان های تامین اجتماعی، رفتار غلط کانون تهران که اعضای معترض را به پلیس امنیت معرفی می کند، با وقت قبلی به کانون عالی رفته و اعتراضات خود را به آقای اسدی و بیات اعلام کردند. آقای بیات در اواسط جلسه به دلیل اعتراضات شدید بازنشستگان به عملکرد کانون عالی و وضعیت بد معیشتی و درمانی که حاصل این عملکرد است، جلسه را ترک کرد.

آنچه مشهود است افزایش گرانی ها و گرسنگی و مدیریت ضدکارگری و مافیایی که آستانه تحمل مردم را در نوردیده نمی تواند جز این اعتراضات چیز دیگری را انتظار داشته باشد. نمی توان مرگ تحمیلی را دید و اعتراض نکرد. نمی شود مافیا نفت دزدیده شده از جیب ملت را به دولت بفروشد و انتظار اعتراض نداشته باشد. با فرآیندی که دلار از مرز ۸۲ هزار تومان گذشته و گرانی های بیشتری را مافیای ارز به کالاها سرایت داده اعتراضات بیشتری را شاهد خواهیم بود.

کودیر در همبستگی عملی با مردم ایران



در حاشیه برگزاری مجمع عمومی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر) در انگلستان در روز ۱۷ آذرماه / ۷ دسامبر، گوین لیتل، دبیرکل این سازمان مردم‌نهاد، به سوال‌های روزنامه «مورنینگ استار»، روزنامه ترقیخواه و چپ منتشره در بریتانیا، درباره فعالیت‌های این سازمان و اولویت‌هایش در همبستگی با مردم ایران پاسخ داد. گوین لیتل، دبیرکل کودیر، همچنین دبیرکل «فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری»، (جی.اف.تی.یو) که نزدیک به ۸۰۰ هزار سندیکالیست عضو آن می‌باشند، است.

سوال: «کمیته دفاع از حقوق مردم ایران» (کودیر) سابقه‌ای طولانی در حمایت از مبارزات مردم ایران دارد. اولویت‌های کنونی آن چیست؟

پاسخ: جمهوری اسلامی ایران مدت‌هاست که گرفتار بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. دولت نمی‌تواند برای دشواری‌های سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، و فرهنگی که کشور با آن مواجه است راه‌حلی ارائه دهد. بیکاری و تورم بسیار زیاد، نابرابری، تخریب بی‌سابقه محیط‌زیست، فرار مغزها، سرکوب اجتماعی، فساد حکومتی فزاینده، و همچنین تهدید مداوم جنگ از واقعیت‌هایی‌اند که ایران امروزه با آنها روبه‌روست. ایران جمعیت جوانی دارد که اعتماد به جمهوری اسلامی را برای تأمین اشتغال، امنیت، مسکن، امکان تشکیل خانواده، یا زندگی عاری از ترس و بی‌ثباتی از دست داده است. ملت ایران تهدید همیشگی جنگ را نمی‌پذیرد و در برابر آن مقاومت می‌کند. مردم ایران خواهان صلح، دموکراسی، و حکومتی آینده‌نگر و پیشرو هستند. ما در کودیر دو کار می‌کنیم. اول اینکه با مبارزه مردم ایران برای صلح، حفاظت از محیط‌زیست، جلوگیری از فرار فاجعه‌بار مغزها، و پایان دادن به اجرای سیاست‌های ارتجاعی که آفت زندگی آنها شده است ابراز همبستگی می‌کنیم. فعالیت دوم ما مقابله با کسانی است که از ماهیت رژیم ایران برای پیشبرد مقاصد امپریالیستی غرب- از راه اعمال تحریم یا جنگ و تهدید به تغییر رژیم با مداخله خارجی-

بهره‌برداری می‌کنند. تصمیم‌گیری درباره آینده ایران فقط به مردم ایران مربوط است و بس. به علاوه، قصد داریم در ماه‌های آینده فعالیت‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی را گسترش دهیم تا واقعیت‌های زندگی در ایران را برای زنان، جوانان، کارگران، و روشنفکران آشکارتر کنیم. هدف ما این است که همبستگی با آنهایی را که متحمل مُنتهای بی‌عدالتی در ایران‌اند گسترش دهیم و پیوندهای بین اتحادیه‌های کارگری بریتانیا و هم‌تایان ایرانی‌شان را تقویت کنیم.

سوال با توجه به محدودیت‌های اعمال‌شده بر فعالیت اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری در ایران، اهمیت همبستگی اتحادیه‌های کارگری بریتانیا با هم‌تایان ایرانی‌شان در چیست؟

پاسخ: گرچه ایران زمانی به خود می‌بالید که یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های سندیکایی کارگری در خاورمیانه را دارد، امروزه سندیکاهای کارگری در آن کشور با خشونت سرکوب می‌شوند. دولت سندیکاها را به رسمیت نمی‌شناسد و قانون کار فقط فعالیت‌های «شوراهای اسلامی کار» سه‌جانبه [کارگر-کارفرما-دولت] را مُجاز می‌داند که طبق نقشه قبلی اساساً زیر سلطه وزارت کار و کارفرمایان فعالیت می‌کنند. با وجود این، چند اتحادیه و سندیکای کارگری که از پیش از انقلاب ۱۳۵۷ فعالیت داشته‌اند و ریشه‌های عمیقی در جامعه ایران دارند همچنان فعال باقی مانده‌اند، گرچه اغلب با خطرهای زیادی مواجه‌اند. از جمله، معلمان، کارگران حمل‌ونقل شهری، پرستاران، کارگران فولاد، معدن‌کاران زغال‌سنگ، کارگران نفت، و کارگران فلزکار و مکانیک توانسته‌اند کارگران را سازمان دهند و مبارزه برای مزد عادلانه، شرایط کاری مناسب و ایمن، طبقه‌بندی مناسب مشاغل، امنیت شغلی، شیفت‌های کاری منصفانه، و حق مرخصی را هدایت کنند. جنبش سندیکایی در ایران در سال‌های اخیر نقش عمده‌ای در کارزار مردمی علیه نابسامانی‌ها ایفا کرده و با سازمان‌دهی و برگزاری اعتصاب‌ها و اقدامات صنفی هماهنگ مقام‌های کشور را زیر فشار زیادی قرار داده است. همبستگی فعالان اتحادیه‌های کارگری بریتانیا و کشورهای دیگر موجب دل‌گرمی هم‌تایان آنها در ایران است و پیامی روشن به مقام‌های حکومت ایران می‌فرستد که کارگران ایران تنها نیستند.

همبستگی جهانی طبقه کارگر با کارگران سایر کشورها یک اصل مهم در مبارزه با سرمایه داری جهانی است.

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران با خبرگزاری ایلنا



هشدار حذف برخی نمایندگان کارگری از شورایی عالی کار/ به دنبال یک دست‌سازي شورا هستيد؟ کد خبر: ۱۵۵۷۶۵

به گزارش خبرنگار ایلنا، هفته‌ی گذشته، اولین جلسه‌ی شورایی عالی کار در دوره‌ی وزارت احمد میدری برگزار شد. نه علی‌حدایی، نماینده کارگران در دولت قبل، به این جلسه دعوت شد و نه نماینده‌ای از سوی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران. به طوری‌که کانون در نامه‌ای به این رفتار معترض شد و نوشت: «این اقدام نه تنها در تعارض آشکار با رویکرد سه‌جانبه‌گرایی مورد تأکید قانون کار است، بلکه نقض مستقیم حقوق تشکل‌های صنفی کارگری و برخلاف معیارهای ملی و بین‌المللی در رعایت حقوق صنفی و آزادی‌های اساسی کارگران به شمار می‌آید» چنین رفتاری آن هم در دوره‌ی وزارت احمد میدری که تفکراتش همسوتر با منافع کارگران به نظر می‌رسید، اعتراضات بسیاری به همراه داشت.

مازیار گیلانی‌نژاد (فعال کارگری) در اعتراض به این رفتار و در کل مجموع تصمیمات اخیر در رابطه با کارگران و بازنشستگان گفت: کنار گذاشتن اعضای انجمن صنفی کارگران از شورایی عالی کار، هشدار است که باید بسیار جدی به آن نگاه کرد. سال گذشته، علی‌حدایی از این شورا کنار گذاشته شد تا کمترین مخالفتی در جلسه نداشته باشند. در حالیکه به نظر می‌رسد امسال و با روی کار آمدن تیم جدید وزارت کار این نماینده کارگری، رسماً به شورایی عالی کار دعوت شود اما نه تنها این اتفاق نیفتاد که در کمال ناپاوری، اعضای انجمن

صنفي کارگران و از جمله آقای میرغفاری کنار گذاشته شدند. اگرچه نمایندگان کارگری شورایی عالی کار با ساختار فعلی را نمی‌توان منتخب واقعی کارگران و تشکل‌های کارگری دانست، اما مخالفت با حضور همین افراد در شورایی عالی کار یعنی سرکوب حتی کمترین مخالفت‌ها و یکدست کردن اعضای کارگری این شورا، این فعال کارگری به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۴ اشاره کرد و گفت: ارقام افزایش دستمزد در بودجه سال پیش‌رو، در حقیقت پیش‌دستی دولت و کارفرمایان برای افزایش نیافتن دستمزدهای کارگران با تورم موجود طبق ماده ۴۱ قانون کار است. مجموع تصمیمات گرفته شده به نظر می‌رسد به نفع دیدگاه‌های سرمایه‌دارانه است؛ مافیای اتاق بازرگانی که به دنبال شکستن کمر زحمتکشان با تورم و گرانی است در تلاش است نه تنها با اجرایی کردن برنامه هفتم توسعه سازمان تأمین اجتماعی را ناپود کند، بلکه تمامی خدمات عمومی و یارانه‌ای را از بین ببرد تا به این وسیله زحمتکشان را در فقر و گرسنگی نگه دارد و اعتراضات کارگران را به نوعی مدیریت کند. برای مثال با اسم همسان‌سازی مستمری بازنشستگان را افزایش ناچیزی بدهد. این فعال کارگری ادامه داد: طرفداران نگاه سرمایه‌داری بارها اعلام کرده‌اند که قانون اساسی و قانون کار به ویژه اصولی که به نفع زحمتکشان تدوین شده است «کمونیستی» است و باید حذف شوند. معنی این حرف یعنی اینکه کارفرمایان آزاد باشند هر بلایی بر سر کارگران بیاورند. این تفکر رونقی برای سفره‌های کارگران و بازنشستگان قائل نیست و ثروت عمومی را فقط متعلق به قدرتمندان می‌داند. طرفداران این دیدگاه بارها گفته‌اند که خانواده‌های کارگری می‌توانند با کمتر از نصف حداقل حقوق زندگی کنند، اگر کسی خواهان درمان است می‌تواند به بیمه‌های خصوصی بپیوندد. در همین رابطه حذف مجوز صلاحیت ایمنی از قراردادهای پیمانکاران صورت گرفت. همچنین به نظر می‌رسد بسیاری از تصمیمات ضد کارگری دیگر در این دوره ادامه خواهد داشت. وی به عدم به نتیجه رسیدن طرح ساماندهی کارکنان دولت بعد از سال‌ها اشاره کرد و گفت: بابت طرح ساماندهی کارکنان دولت تبلیغات بسیاری انجام دادند اما این طرح هنوز به دلیل مخالفت مافیای قدرت به نتیجه نرسیده است. ورود شرکتهای پیمانکاری از دهه‌ی هفتاد همراه با رونق قراردادهای موقت در کارهای ماهیتا دائم، اوضاع کارگران را بسیار بد کرد و کارگران را از حداقلی‌ترین حقوق‌شان محروم کرد. بسیاری از کارگران پیمانکاری حتی حقوق و بیمه خود را به سختی دریافت می‌کنند به طور مثال خبرهایی به ما رسیده است که از مهرماه در برخی پروژه‌های نفت و گاز پیمانکاران از دادن حتی بالاش و پتو، کفش ایمنی، دستکش، ماسک خودداری کرده و یا این موارد را از دستمزد کارگران کم می‌کنند. گیلانی‌نژاد تأکید کرد: این در حالی است که دستمزد بالای خط فقر، ایمنی، درمان صفر تا صد، حق بازنشستگی، رفاهیات مندرج در قانون کار و استانداردهای شرکت نفت، بخش جدایی‌ناپذیر دستمزد کارگران است. ورود شرکتهای پیمانکاری در واقع راه را برای به کار گرفتن نیروی کار ارزان قیمت و نادیده گرفتن حداقلی‌ترین حقوقشان باز کرد. حذف برخی از نمایندگان کارگری از شورایی عالی کار و تلاش برای یکدست کردن این شورا، تعیین دستمزد کارمندان بدون توجه به نرخ تورم، اصرار بر اجرای مصوبات ضد کارگری در

برنامه هفتم توسعه، عدم به نتیجه رسیدن طرح‌هایی مثل طرح ساماندهی کارکنان دولت و حذف پیمانکاران، گسترش دیدگاه‌هایی مثل آزادسازی قیمت‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی و... از جمله مسائلی است که کارگران را نگران می‌کند و نشانه‌ی تداوم وضعیت بد آن‌ها در سالهای بعد است.

مصاحبه دو تن از بازنشستگان متحد تهرانی بهروز بیانی و طاهر حیدری با خبرگزاری ایلنا



سهم هیچ تامین اجتماعی از نسخه‌های درمانی/ «پول دارو» کمر بازنشستگان را شکسته/ خانه‌ام را می‌فروشم تا دارو بخرم!

به گزارش خبرنگار ایلنا، یک کارگر شاغل، در سال چقدر در صندوق تامین اجتماعی ذخیره می‌کند؛ این پول‌های انبوه که مبالغ آن سر به فلک می‌کشد کجا می‌رود و چرا بیمه پایه‌ی تامین اجتماعی، هزینه‌های یک نسخه ساده درمان را تقبل نمی‌کند؟ حداقل سهم پرداختی حق بیمه تامین اجتماعی کارگران برای سال ۱۴۰۳ برابر با ۲۸,۳۹۸,۵۵۳ ریال اعلام شده است. هر کارگر در هر ماه حداقل ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان (مجموع سهم کارگر و کارفرما) حق بیمه می‌پردازد؛ حق بیمه کارگر در سال، ۳۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است؛ یک سوم این مبلغ، «سهم درمان کارگر» است و در صندوق درمان تامین اجتماعی ذخیره می‌شود به عبارتی سالی حدود ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان سهم درمان کارگر است، تازه این رقم مربوط به کارگر حداقل‌بگیر است؛ برای دستمزدهای بالاتر و حق بیمه‌های

بالا تر، سهم درمان نیز بیشتر است. و نکته اینجاست که تامین اجتماعی نصف این ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان را خرج درمان کارگر نمی‌کند؛ حتی یک سوم این مبلغ هم برای درمان کارگر خرج نمی‌شود! بیمه پایه چیزی در حد هیچ است! یک تجربه ساده: تامین اجتماعی هزینه‌های درمان را گردن نمی‌گیرد. در روزهای میانه‌ی آذرماه، در اوج آلودگی هوا و اپیدمی ویروس آنفولانزا، به یک کلینیک درمانی خیریه و دولتی در غرب تهران مراجعه کردیم؛ هزینه ویزیت پزشک عمومی حدود ۱۰۰ هزار تومان شد که ۶۸ هزار تومان آن سهم پرداختی فرد است؛ سازمان تامین اجتماعی پرداخت کمی کمتر از ۳۲ هزار تومان را گردن گرفت! پول داروها هم (داروهای ساده سرماخوردگی) حدود ۱۶۰ هزار تومان شد که اینبار هم فقط ۵۰ هزار تومان آن برعهده تامین اجتماعی قرار گرفت؛ نزدیک ۱۲۰ هزار تومان هزینه دارو از جیب بیمه شده پرداخت شد! این تجربه عینی نشان می‌دهد که تامین اجتماعی هیچ کجای درمان کارگران نیست؛ بیمه پایه کاملاً بی‌ارزش شده و هیچ کاری برای بیمه‌شدگان نمی‌کند؛ بازنشستگان و مستمری بگیران که گرفتار بیماری‌های سخت‌تر و نسخه‌های پزشکی پیچیده‌تر هستند، تجربه‌های به مراتب درد آورتری دارند؛ برای آن‌ها، بیمه پایه به اضافه بیمه تکمیلی، چیزی در حد هیچ است! بیمه تکمیلی خدمات محدود و سقف کوتاهی دارد و برای داروها ریالی نمی‌پردازد.

تجربه‌های بازنشستگان: عدالت و انصاف کجا رفته است؟!

به سراغ دو بازنشسته کارگری رفتیم تا از تجربیات آن‌ها در این زمینه پرسیم؛ در روزگاری که نرخ انواع بیماری‌ها از آنفولانزا و سرطان گرفته تا بیماری‌های خودایمنی و عصبی در ایران به نسبت نرم جهانی بالاتر است، بازنشستگان چه می‌کشند و چقدر با درمان تامین اجتماعی مشکل دارند؟ ظاهر حیدری، بازنشسته کارگری: «تامین اجتماعی ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی یا الزام به ارائه رایگان صفر تا صد خدمات درمانی را به هیچ وجه اجرا نمی‌کند؛ این بزرگ‌ترین تخلف در صندوقی ست که میلیاردها تومان اندوخته کارگران در آن حیف و میل می‌شود. به راستی چقدر از سرمایه‌های کارگران در شستا و شرکت‌های زیرمجموعه بدون نظارت از بین می‌رود؛ مگر گزارش اختلاس‌های شستا تا سال ۱۴۰۰ را نخواندید؟ پای میلیاردها دلار ثروت به تاراج رفته‌ی کارگران در میان است. و در چنین اوضاع و احوالی ست که بازنشسته بعد از سی سال پرداخت حق بیمه به این صندوق، باید عضو بیمه تکمیلی باشد؛ من ۳۵ سال و چند ماه سابقه کار دارم، هر ماه یک‌سوم حق بیمه‌ام بی‌فایده به صندوق درمان رفته اما حالا باید ماهی ۴۳۰ هزار تومان برای بیمه تکمیلی بپردازم؛ ۵۰ هزار تومان هم برای بیمه عمر بدهم؛ باز هم وقتی به کلینیک و داروخانه مراجعه می‌کنم، باید کلی پول خرج کنم. انصاف کجا رفته است؟ شاید بگویند چرا به مراکز ملکی تامین اجتماعی مراجعه نمی‌کنید؟ آنجا همه چیز رایگان است! بیاید برویم بیمارستان

شهید معیری، آنجا برای سونوگرافی نوبت ۴ ماهه می‌دهند! چهار ماه منتظر بمانم برای یک سونوگرافی بسیار ساده؟!»

بهر روز بیانی، بازنشسته کارگری: «من بابت دیابت هر دو ماه و نیم، ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان پول دارو می‌دهم که از این مبلغ فقط ۴۰۰ هزار تومان آن را بیمه پایه می‌دهد؛ بیمه تکمیلی ریالی برای دارو نمی‌دهد؛ در واقع من بازنشسته با وجود بیمه پایه تامین اجتماعی و بیمه تکمیلی، هر دو ماه و نیم، فقط ۳ میلیون تومان پول داروهای دیابت می‌دهم! یکی از نزدیکان ما، سرطان دارد؛ قیمت داروی خارجی شیمی‌درمانی بیشتر از ۶۰ میلیون تومان است؛ نمونه داخلی این دارو ۱۸ میلیون تومان قیمت دارد؛ آشنای ما، ۹ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، با این حقوق همان داروی ایرانی را هم نمی‌تواند بخرد؛ این خاتم یک خانه کوچک ۵۰ متری دارد؛ برای اینکه زنده بماند باید این خانه را بفروشد تا بتواند داروهای سرطان بخرد؛ خوب است بدانید، این خاتم بازنشسته بیمه پایه و تکمیلی هم دارد، اما هیچ کدام به دردش نمی‌خورند! وضع ما را می‌بینند و در حالی که دم از «عدالت» می‌زنند، اعلام می‌کنند ممکن است ارز ترجیحی دارو حذف شود! والله کار به جایی رسیده که وقتی صحبت از عدالت می‌کنند، باید کفش‌ها را در بیاوریم و فرار کنیم چون با «عدالت» بوی گرانی و سرکوب دستمزد می‌آید!»

کارگر شاغل سالی حداقل ۳۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان حق بیمه به صندوق تامین اجتماعی می‌دهد که بیشتر از ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان آن به صندوق درمان می‌رود؛ این کارگر در یکسال اگر یکبار مریض شود و برای آنفولانزای ساده به درمانگاه دولتی مراجعه کند باید پول ویزیت و دارو را از جیب بدهد، یعنی در سال یک میلیون این ۱۱ میلیون تومان خرج درمان بیمه‌شده نمی‌شود. وقت بازنشستگی این ناکامی با وجود بیمه تکمیلی تشدید می‌شود؛ در این بین، اگر از بخت بد، دچار بیماری‌های خاص شوی و دارو و درمان بخواهی، باید خانه بفروشی، وام یا بهره سنگین بگیری یا اگر هیچ کدام «مقدور» نبود، بنشیننی و برای مرگی که از راه می‌رسد، فرش قرمز پهن کنی. گزارش: نسرین هزاره مقدم

«مافیای لانه کرده در وزارت بهداشت و تامین اجتماعی با گذراندن قوانین ضد کارگری و ضد مردی تلاش دارد از درد و رنج مردم سودجویی و ثروت اندوزی کند»

ثروت ملی مردم کجاست؟؟!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مسعود پزشکیان رییس دولت شامگاه دوشنبه در یک گفتگوی تلویزیونی گفت: «۱۳۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلاری که برای یارانه‌های سوخت و گاز و برق می‌دهیم اگر تبدیل به ریال کنیم سرانه هر نفر ۹۰ میلیون تومان می‌شود.»

جناب آقای پزشکیان، اگر ارزش اموال ستاد اجرایی فرمان امام را به ریال تبدیل کنیم، سهم هر فرد ایرانی ۱۳۵ میلیون تومان خواهد شد. اگر دولت تان برای کارهای عمرانی پول لازم دارد میتوانید: ۱- از تولید کنندگان فولاد و پتروشیمی که با آب، برق، گاز و نیروی کار، مجانی محصول تولید و صادر می‌کنند، مالیات بگیرید. بطور مثال: شرکت معظم فولاد مبارکه، سالانه چقدر مالیات می‌پردازد؟ ۲- به تولید و صادر کنندگان پتروشیمی و فولاد (که تعدادشان هم کم نیست) حکم کنید که ارز صادراتی را بدون فوت وقت وارد کشور نموده و در اختیار دولت قرار دهند. ۳- جلوی اختلاس‌ها و ریخت و پاش‌ها را بگیرید. ۴- هزینه بوروکراسی‌های بی دلیل و غیر مفید شناسایی و جلوگیری شود. ۵- از شرکت‌های بزرگ دولتی و بنیادها مالیات اخذ کنید. ۶- برای درآمد اشخاص و شرکت‌ها مالیات صعودی پلکانی وضع کنید. ۷- جلوی صادرات قاچاق سوخت را سد نمایند. ۸- جلوی اسکله‌های واردات قاچاق که عوارض گمرکی نمی‌دهند را سد نمایید. ۹- بودجه صدا و سیما و هزاران نهاد مذهبی و خرج‌های سنگین غیرضروری دیگر را قطع نمایید. ۱۰- بانک‌های خصوصی و بانک‌های زیان‌ده را تعطیل یا ادغام کنید. ۱۱- نیروگاه‌های موجود را به درستی و بموقع تعمیر و نگهداری کنید و پول کارگران را هم به موقع بدهید. ۱۲- جهت تولید برق از منابع بالا استفاده کرده، نیروگاه‌های انرژی‌های تجدید پذیر (باد، امواج، خورشیدی و ...) سرمایه‌گذاری نمایید. ۱۳- فروش نفت توسط اشخاص و نهادهای خصوصی را ممنوع کنید. ۱۴- خودروسازان داخلی و مافیای خودرو را ملزم به تولید خودروی کم مصرف و با تکنولوژی روز نمایید. ۱۵- از شهرداری‌ها بخواهید به جای هزینه در مراسم پیاده روی اربعین، سرمایه شهروندان را در گسترش حمل و نقل عمومی هزینه نمایند. ۱۶- مافیای تولید رمز ارز‌ها را که از برق برای سودجویی استفاده می‌کنند را با شدیدترین دستورات از زندگی ساقط کنید تا برق ۹۰ میلیون ایرانی بازبچه سودجویی مافیا نشود. با انجام این اقدامات به ظاهر ساده (و بسیار مشکل) خواهید دید دولت نه تنها ورشکسته نیست بلکه صندوق ارزی کشور هم پر و پیمان خواهد شد و دولت می‌تواند وظیفه ذاتی‌اش در خصوص خدمات دهی از ثروت عمومی که بازبچه دست غارتگران شده و هم شما و هم روسای دولت قبلی چشمان را بر روی این موارد بسته اند می‌توانند برق ارزان، آموزش و بهداشت رایگان شهروندان را براحتی انجام داده و در راه اجرای اصول ۳ و ۴۳ قانون اساسی قدم‌های جدی بردارد. **بازنشستگان متحد تهران (فلنکار، بافنده سوزنی، چاپ، شهاب خودرو، فیلکو)**

مافیا این روزها چه می کند!!!؟؟

مافیای لانه کرده در جای جای کشور به شدت فعال است و در یکماه گذشته دست به اجرایی کردن سیاست های ضد کارگری زیر زده اند: ۱- مافیای آتیه سازان حافظ را با همدستی نوکران شاید خود همچون کانون عالی به بازنشستگان تحمیل کرده است. ۲- مافیا از ۱ درصد مالیات بر ارزش افزوده که سر به هزاران میلیارد تومان می زند به جای افزایش حقوق بازنشستگان از طریق همسان سازی، این پول را به گندمکاران داده است که باید از بودجه دولت تامین می شد. ۳- مافیا به کارفرمایان اجازه داده است که پول بیمه کارگران شان را هر زمان خواستند. بپردازند و قانون واریزی پول به همراه لیست بیمه را لغو کرده است. ۴- مافیا با همدستی اتاق بازرگانی و هماهنگی وزارت کار علیرضا غفاری نماینده انجمن های صنفی کارگران سراسر کشور را از شورای عالی تعیین دستمزد کنار گذاشت. ۵- مافیا که وارد کننده خودروهای لوکس چند ده میلیارد تومانی برای حرام خوار هاست با همدستی مجلس و دولت، مالیات بر این ماشین ها را لغو کرده است. ۶- مافیا از تصویب قانون برای مسوولانی که فرزندان و همسرانشان تابعیت کشور دیگری را دارند را جلوگیری کرده تا راه نفوذ جاسوسان همچنان باز باشد. ۷- مافیا از مهرماه حق بیمه کارگران را به جای خزانه تامین اجتماعی به اداره داری ریخته تا سازمان تامین اجتماعی نابود شود و درآمدی دیگر نداشته باشد. ۸- مافیا فقط طی ۲ ماهه مهرماه تاکنون ارزاق عمومی را هر روز گرانتر کرده است از جمله قیمت یک قوطی پنیر از ۴۴/۵۰۰ تومان را به ۶۰ هزار تومان افزایش داده است. ۹- مافیا در همه ناوایی های کشور با ابلاغ افزایش قیمت ۲۵ درصدی نان می خواهد گرسنگی و مرگ تدریجی را به خانواده های کارگری تحمیل کند. ۱۰- لایحه عفاف و حجاب را برای انحراف جامعه از پرداختن به مسایل بالا را در مجلس به تصویب وکلای بی خرد و نادان رسانده است. گزارش فعالیت های مافیا ادامه خواهد داشت

قانون کار بی ضمانت / امنیت شغلی کارگران در دستور کار نیست!

در گفتگوی مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران با خبرگزاری ایلنا مطرح شد؛ کد خبر: ۱۵۶۶۵۹۶

یک فعال کارگری گفت: کارگران قرارداد موقت از بی حقوقی کامل رنج می برند، قانون کار برایشان اجرا نمی شود، و گاهی حتی از حداقلی ترین و مسلم ترین حقوقشان که دستمزد ماهانه و بیمه است هم ماهها محروم می مانند. در چنین شرایطی عده ای حتی از به نتیجه رسیدن

طرح‌هایی که کاملاً صوری است، نگرانند. به گزارش خبرنگار اینلنا، اصلاح موادی از قانون کار با تأکید بر برقراری امنیت شغلی کارگران، از آن دست طرح‌هایی بود که از همان ابتدا مشخص بود که به نتیجه نخواهد رسید. این طرح البته از ابتدا، مورد انتقاد بسیاری از فعالان کارگری قرار گرفت؛ آن‌ها معتقد بودند، اگرچه در رابطه با امنیت شغلی کارگران موارد قابل تأملی در طرح مذکور مطرح شده، اما همزمان با تغییراتی که در رابطه با اختیارات کارفرمایان برای اخراج کارگر داده شده، تأثیر افزایش امنیت شغلی کاهش یافته است. متولیان طرح اما معتقد بودند قانون کار برای کارگر و کارفرماست و در هر گونه اصلاحی باید منافع هر دو طرف در نظر گرفته شود. با این حال طرح اصلاح موادی از قانون کار، با کنار رفتن دولت سیزدهم به دست فراموشی سپرده شد و سکانداران جدید وزارت کار نیز هنوز صحبتی از برنامه‌هایشان در رابطه با موضوع مهم امنیت شغلی کارگران نکرده‌اند. مازیار گیلانی‌نژاد، فعال کارگری، با اشاره به بی‌نتیجه ماندن طرح‌هایی که قرار بود برای برقراری امنیت شغلی کارگران بررسی شود گفت: از ابتدا هم پوچ و توخالی بودن این طرح‌ها مشخص بود. در ابتدا گفتند کمیته تشکیل می‌دهیم و بعد هم طرح اصلاح بندهایی از قانون کار را رو کردند، که با وجود نقض‌های بسیار و حمایت‌هایی که در همان طرح از کارفرماها شده بود، باز هم پیگیری نشد و مانند خیلی از طرح‌های دیگر به نتیجه نرسید. طرفداران سرمایه‌داری در ایران و اعضای اتاق بازرگانی و همفکرانشان دانی شدن قراردادها را خطرناک می‌دانند و این را صراحتاً در برخی مصاحبه‌هایشان گفته‌اند. با آنکه بیش از ۹۰ درصد نیروی کار قرارداد موقت هستند و حتی قراردادهای سفید امضا با چک و سفته دارند، اما باز هم طرفداران سرمایه‌داری تا این اندازه هراسانند که مبادا طرحی برای برقراری امنیت شغلی به تصویب برسد. وی ادامه داد: کارگران قرارداد موقت از بی‌حقوقی کامل رنج می‌برند، قانون کار برایشان اجرا نمی‌شود، و گاهی حتی از حداقلی‌ترین و مسلم‌ترین حقوقشان که دستمزد ماهانه و بیمه است هم محروم می‌مانند. در چنین شرایطی عده‌ای حتی از به نتیجه رسیدن طرح‌هایی که کاملاً صوری است، نگرانند. این فعال کارگری افزود: مخالفان دانی شدن قراردادها خوب می‌دانند که این کار، امکان زیر پا گذاشتن حقوق کارگران را کمتر می‌کند. کارگر قرارداد موقت به راحتی اخراج می‌شود و ترسی که از اخراج دارد، مانع پیگیری حقوقش می‌شود. این کارگران حتی از داشتن یک نماینده و یا تشکل کارگری صوری هم محروم هستند. و اگر هم هر کدام از تشکل‌های قانونی و البته صوری را داشته باشند، باز هم نمی‌توانند حقوقشان را پیگیری کنند، چراکه نمایندگان کارگری قرارداد موقت خود در معرض اخراج هستند و نمی‌توانند حقوق کارگر را پیگیری کنند. امنیت شغلی، همچنین امکان چانه‌زنی دسته‌جمعی را بر سر حقوق کارگری بالا می‌برد. به همین دلیل است که طرفداران سرمایه‌داری بیکار ننشستند و با توسل به کمیسیون‌های مختلف مجلس، احتمالاً توانستند لایحه اصلاح موادی از قانون کار را از دستور کار خارج کنند. این فعال کارگری تأکید کرد: سال‌هاست مافیای اتاق بازرگانی به دنبال نابودی تمامی مواد حمایتی قانون کار، از جمله حذف شورای عالی تعیین حداقل دستمزد هستند. نبود هیچ قانونی برای تعیین حداقل دستمزد یا هر قانونی که کارفرما را مجبور کند از سودجویی بی‌فید و شرط خود دست بردارد، آرزوی

کارفرمایان است. در چنین شرایطی قطعاً انتظار نداریم که مجلس و دولت به دنبال تصویب طرح‌هایی برای بهبود وضعیت امنیت شغلی کارگران باشند.

آقای میدری راه غلط نشان ندهید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وزیرکار اعلام کردند: «۵۰ درصد کسری بودجه در سال ۱۴۰۳ باعث تورم ۴۰ درصدی شده که به خاطر کمک دولت به صندوق‌های بازنشستگی است.» جناب میدری لطفن سری به آقای دکتر راغفر استاد دانشگاه الزهرا بزنید تا ایشان در مورد تورم سخنان علمی به شما بگویند تا از این سخنان سخیف نزنید. در ضمن وسط دعوا هم نرخ تعیین نکنید. اگر صندوق‌های بازنشستگی دچار بحران شده اند به دلیل مدیران بی عرضه و دست اندازی دولت‌های پیشین و قوانین ضد کارگری علیه این صندوق‌ها توسط نمایندگان نادان مجلس بوده است و شما هم دنباله رو آنان شده اید. کیست که نداند صندوق بازنشستگی فولاد را چه کسانی ورشکسته کردند و یا صندوق بازنشستگی فرهنگیان را. مدیران دولتی آوار شده بر صندوق‌های بازنشستگی تا توانستند از این صندوق‌ها دزدی کردند. در همین صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی مدیرانی که بیمارستان‌های تامین اجتماعی را فروختند چرا تاکنون پول این فروش به صندوق بازنگشته است؟؟ هرچه کارخانه ورشکسته بود به صندوق تامین اجتماعی و شستا انداختند و هرچه کارخانه سودده بود با وام‌های کلان دراز مدت به حرام زاده‌های آقایان فروختند. اگر می‌خواهید بدانید کسری بودجه از کجا سرچشمه می‌گیرد کافی است نگاهی به وام‌های که مدیرعامل بانک پاسارگاد و دیگر مدیران بانک‌ها به خود و عوامل ریز و درشت داده اند، نگاهی ببیند. و یا نگاهی به پول‌های بی‌زبانی که به بنیادهای بی‌خاصیت که حتا مالیات هم نمی‌دهند ببیند. اما چرا دور برویم لطفن وام‌های گرفته شده مدیران وزارتخانه خود و شستا را شفاف سازی کنید تا معلوم شود ثروت ملی چگونه بازچه‌مشتی بی‌وطن در بدر شده است. کسری بودجه را در میان نمایندگان مجلسی دنبال کنید که به لایحه دو تابعیتی بودن خانواده‌های مسوولان رای مثبت دادند و همین‌ها هم به دنبال فیلترینگ و لایحه عفاف و حجاب هستند. لطفن خود را به کوچه علی‌چپ نزنید و در فکر و برنامه ریزی بازپس‌گیری بدهی‌های دولت به تامین اجتماعی باشید. اما اگر واقعاً می‌خواهید بحران صندوق‌های بازنشستگی را بطور کامل حل کنید قانون برنامه هفتم توسعه مبنی بر گرفتن یک درصد مالیات بر ارزش افزوده برای همسان‌سازی بازنشستگان را شفاف‌سازی کرده و همه این مبلغ که طی ۸ ماه بالغ بر یک میلیون همت شده است را به صندوق‌های بازنشستگی برگردانید بعد به شما خواهیم گفت آیا صندوق‌ها باز هم بقول شما تورم‌زا هستند؟؟ ۸ همت از این یک میلیون را با هزار منت به صندوق‌ها بازگردانده اید و همسان‌سازی تقلبی کرده فکر می‌کنید بازنشستگان سرشان در حساب و کتاب نیست؟

بر زمینت می‌زند نادان دوست

دشمن دانا بلندت می‌کند

بی عرضه نیستی، قاطع در مقابل دزدان نیستی!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، آقای پزشکیان در سازمان برنامه و بودجه گفت: چگونه روزانه ۲۰ میلیون لیتر سوخت گم می شود در حالی که تولید کننده و عرضه کننده خودمان هستیم. باید برای این سرقت مرادار بزنند عین همین در آب، برق، گاز و همه چیز هست» آقای پزشکیان، تا زمانی که وزرا و مدیران خود را از میان کسانی که برای نفع شخصی مسوولیت گرفته اند انتخاب می کنید، این دزدی ها ادامه خواهد داشت. وزیر کشور، فرمانده نیروی انتظامی، وزیر نفت، وزیر اطلاعات، وزیر سپاه و معاونین و مدیرانشان را مهلت یک هفته ای برای حل این مشکل دهید اگر شاه دزدان را پیدا نکردند تمامی اموال خود و خانواده شان را ضبط و به خزانه دولت بریزید و همه را هم اعدام کنید تا همه بدانند قدرت دست کیست و رییس جمهور یعنی چه؟ اگر نکردید یعنی اینکه شما هم می دانید شریک دزد و رفیق قافله کیست و این گفتار درمانی را هم برای نوه هایتان بگویید .

آقای پزشکیان دست بزن!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در مراسم روز دانشجو آقای پزشکیان اعلام کرد: «به هر چی می خواهیم دست بزنیم، می گویند به این دست نزن» آقای پزشکیان، یکی از خواسته های مردم اتاق شیشه ای برای همه مسوولین و شفاف سازی در همه امور است. چرا نمی گویند چه کس یا کسانی به شما به عنوان نفر اول این کشور عتاب و خطاب می کند که دست نزن؟ سالهاست شما به عنوان یک مسوول در جای جای این کشور با مافیا روبرو شده اید و تقریباً با عملکردشان آشنا هستید و حتا در این خصوص افراد زیادی را هم می شناسید اما متاسفانه نه تنها شما بلکه همه روسای دولت های پیشین هم از گفتن و افشای مافیا خودداری کرده اند چرا؟؟ آیا به این دلیل نیست که این مافیاست که پست می دهد؟؟ مقام منصوب می

کند و اجازه اختلاس می دهد و آفازاده ها و خانم زاده های بی عرضه را در همه لایه های حکومتی جا می کند تا همیشه افراد گوش به فرمان داشته باشد تا به پلیدی های خود ادامه دهد. آقای پزشکیان، دیگر دوران در قالب اپوزیسیون رفتن تمام شده و همه مشکلات امروزی کشور به دست شما و امثال شما رقم خورده و دیگر نمی توان دشمن فرضی برای مشکلات کشور تراشید. نه تنها شما بلکه هیچکس دیگری هم با وجود مافیا در اقتصاد، سیاست و فرهنگ نمی تواند مشکلات کشور را سامان دهد. برای تغییر و بهبود کشور از بحران کنونی باید سیاست های نئولیبرال و مشاورین ضد مردمی همچون موسی غنی نژاد را کنار گذاشت که بی تردید در توان امثال شما نیست. رویکرد مردمی، سیستم سرمایه داری نئولیبرال و خصوصی سازی را بر نمی تابد. وقتی به شما می گویند دست نزن و شما هم اطاعت می کنید یعنی خواست مافیا را بالاتر از بهبودی وضعیت مردم و کشور بر خود فرض می دانید و این یعنی بحران و مشکلات مردم حل نخواهد شد.

سخنانی چند درباره فساد در بیمه عمر!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، متن زیر نوشته یکی از کوشندگان بازنشستگی گیلان است که باید به آن توجه کرد و به عمق فساد در کانون ها و کانون عالی و مافیای خیمه زده در آتیه سازان حافظ برای سودجویی از درد و رنج انسان ها پی برد. «درود، لازم است توضیحی برای بیمه تکمیلی و بیمه عمر بدهم: تردید نفرمائید قراردادها با زدوبند انجام گرفته است. ترتیبی اتخاذ می کنند تا بیمه های دیگر رغبتی به شرکت در مناقصه نداشته باشند. کانونهای استانی تعداد

فوتی ها را در طی سال ندارند. باور بفرماید حداقل چهل تا پنجاه درصد از بازنشستگان نیز، نمی دانند که پس از فوت سرپرست، باید به کانون جهت دریافت بیمه عمر مراجعه کنند. خیلی ها فقط حقوق می گیرند بی آنکه بدانند چه ارقامی بابت چه از آنها کسر می گردد. صرفاً برای اینکه حقوق سرپرست فوتی را بعد از او دریافت بدارند به تامین اجتماعی مراجعه می کنند. نامه ای را به کانون شهرستان و استان نوشتیم که از سازمان بخواهید تا آمار فوتیها را ماهیانه با مشخصاتشان برای کانون ارسال دارد تا کانون به خانواده هایشان برای دریافت بیمه عمر اطلاع دهد. باور بفرماید چنین کاری را انجام ندادند. معنای دیگرش اینست که فرجام پوشش به خانواده بسیاری از فوتی ها بیمه عمر را پرداخت نمی کند زیرا مراجعه ای به او نمی شود. بنظرم وقتی کانونها تمایلی به اینکار ندارند معنایش اینست که هیئت رئیسه استان حتماً درآمدهای پنهانی دارند که هرگز این پول پنهان به سمت کانون سرازیر نمی شود. وگرنه چه لزومی دارد که سازمان این آمار را ماهیانه به کانون ندهد و کانون نیز آمار را از سازمان نخواهد؟! آیا دلیلش مرادده های پنهانی نیست؟! این رقم در طول سال سر به فلک می زند! برخورد کانون عالی و استانها را با ریاست فرجام پوشش دیده ام. به مانند نوکر و ارباب!!! برای بیمه تکمیلی نماینده ای از بیمه دانا را به استان آوردم. شرایط بسیار عالی را پیشنهاد دادند با تضمینی برابر با رقم کل قرارداد برای اجرای صحیح قرارداد! اما ایرانگردیهای اعضای درجه یک کانون عالی، مانع از ورود بیمه گری دیگر غیر از آتیه سازان برای قرارداد بوده است. آیا این ایرانگردی برای منافع بازنشستگان بود؟! چگونه می شود که یکصد و بیست و پنج هزار تومان به قرارداد اضافه می شود اما تعهدات بیمه گر ریالی افزایش نمی یابد؟! بوی بد و متعفن این قراردادهای ظالمانه و فاسد، بیشتر از اصل قرارداد و بیماریها، به بازنشستگان آسیب وارد می سازد. متأسفانه مدیران درجه دو سازمان در همدستی با کانون عالی همه ساله مسبب این ظلم هستند. رئیس سازمان نیز به دلیل ناآشنا بودن به قوانین بیمه، کارشناسی آنها را پذیرفته و تصویب می شود. امیدوارم برای سال آینده روشنگری های بیشتری صورت پذیرد و گروهی بجز کانون عالی ارتباط تنگاتنگی را با جناب آقای سالاری داشته باشند تا مانع از اینهمه اجحافات شوند...

محمد اسدی چه می گوید؟؟ (۱)

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، محمد اسدی ریاست کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی اعلام کرده است: «دولت ماهانه ۳۰ همت حق بیمه ۲۷ گروه تحمیل کرده به تامین اجتماعی را باید پرداخت کند. بدهی دولت ۸۰۰ همت به تامین اجتماعی است» این حرف ها یعنی اینکه این آقا در طی حداقل ۸ سال تصدی پست در کانون عالی بازنشستگان بی عرضه تر از آن است که بتواند حق بازنشستگان را مطالبه کند که بدهی دولت به تامین اجتماعی تا این مقدار افزایش پیدا کرده است. اگر محمد اسدی ها از همان ابتدا اجازه دست درازی به صندوق تامین اجتماعی نمی دادند امروز نه تامین اجتماعی و نه بازنشستگان و کارگران وضعیت معیشتی و درمانی شان چنین نبود. محمد اسدی نمی گوید چرا در همه این سالها چشم های کورشان را به این دست درازی ها بسته اند مگر نماینده ۵/۴ میلیون بازنشسته نیستند؟؟ این بی عرضه ها به جز گفتار درمانی و خود را مخالف کارهای انجام شده در تامین اجتماعی نشان دادن چه کار دیگری برای بازنشستگان کرده اند؟؟ اعضای کانون عالی هم به بازنشستگان و هم به وجدان نداشته شأن خیانت کرده اند. البته اسدی، دهقان کیا، عیوضی و بیات از شاهکار جدیدشان که همسان سازی حقیرانه است حرفی نمی زنند. از اینکه به دلیل اهمال کاری و بی عرضگی، سالیانه چه میزان از حق مسکن و حق درمانی بازنشستگان را به عنوان باج سیل به اداره دارایی می دهند سکوت می کنند و از دزدی ها، سکه دادن ها، خوشگذرانی در انزلی و کادو به مسوولین تامین اجتماعی حرفی نمی زنند تا هوای این ببوگلابی ها را نگه دارند. آقای اسدی، خودتی!! ما را با این حرف ها گول نزن اگر واقعن نماینده ی ۵/۴ بازنشسته هستی باید خود را در مقابل این همه حق کشی ها آتش می زدی نه اینکه گوش به فرمان مافیای آتیه سازان و دیگر پلیدان باشی و نوکر وار هر حرفی زدند دمت را لای پایت گذاشته بیرون بیایی. تو با این نوکری کردن بازنشستگان را با ۳۰ سال کار همچنان تنگدست، بی دارو، بی درمان گذاشتی اما کارخانه تو و بیات هر روز گسترش پیدا می کند.

بازنشستگان متحد تهرانی آذرماه ۱۴۰۳

چادرملو بعد از اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ماه گذشته ۱۵۰۰ کارگران معدن چادرملو در شرکت آسفالت طوس (شرکت بهره‌بردار از معدن) دست به اعتصاب زده و خواهان همسان شدن دستمزدهایشان با کارگران قرارداد مستقیم و بالا رفتن کیفیت بیمه‌های تکمیلی بودند. متأسفانه خبر رسیده نه تنها مدیران شرکت آسفالت طوس زیر قولشان زده‌اند بلکه مدیران معدن چادرملو (مهندس داوودی) نیز برخلاف وعده‌های داده شده عمل کرده و ۴ کارگر را اخراج و بخشی از کارگران فعال را با بازنشستگی زود هنگام مواجه کرده‌اند. همچنین دستمزدهای همراه را نیز ۳۰ درصد کاهش داده‌اند. در فضای جنگی پیش آمده همه کارفرمایان با تکیه بر مافیای لانه کرده در دولت و دیگر دستگاه‌ها به تهاجمی گسترده علیه دستاوردها و مطالبات کارگران و بازنشستگان زده‌اند و تلاش دارند خواسته‌های قانونی کارگران و بازنشستگان را زیر پا نهاده و دست به سرکوب کلیه کوشندگان بزنند. سندیکای کارگران فلزکار مکاتیک ایران حمایت و همبستگی خود را با کارگران این معدن و انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو اعلام می‌کند از هرگونه کمک و یاری به این برادران مضایقه نخواهد کرد.

مراسم فرمایشی سالروز تصویب قانون کار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۹ آبان در سالن همایش وزارت کار، مراسم بزرگداشت قانون کار برگزار شد. هنگام شروع جلسه ساعت ۱۰ و نیم صبح بود و بیش از ۵۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند که اکثریت بازنشستگان را شامل می‌شد. اولین سخنران حسن صادقی بود که اظهار تأسف کرد که اکثر حاضرین از بازنشستگان هستند و نه کارگران. محتوای سخنش طرفداری از قانون کار موجود و لزوم صیانت از آن، مقابل سرمایه‌داران که خواهان برهم زدن همین قانون حداقلی هستند، بود. او خطاب به مدافعان سرمایه‌داری گفت: «قانون کار مخصوص حفاظت از نیروی کار است و شما قانون تجارت را دارید». در انتقاد از قانون کار، توضیح داد که فصل ششم باید تغییر کند زیرا همه اختیارات را به دولت داده است. سپس وی توضیحاتی در خصوص متناسب‌سازی پیاده شده و نقش خانه کارگر و سالاری در پیشبرد و اجرایی کردن آن داد که مورد اعتراض حاضرین قرار گرفت و تعدادی از بازنشستگان بطور جمعی سالن را ترک کردند. پس از وی محبوب شروع به سخنرانی کرد که عده بیشتری در اعتراض سالن را ترک نمودند. مراسم ساعت ۱۲ خاتمه یافت. در ضمن مامورین حراست وزارت کار و اطلاعات از ورود آقایان حسن مرادی و بهروز بیانی از بازنشستگان متحد و مستقل تهران به سالن جلوگیری کردند.

بی تردید آنچه امروز وضعیت اسف بار زحمتکشان است محصول خیانت های آشکار خانه کارگری هاست. حتا امروز هم این خیانت از زبان حسن صادقی در خصوص همسان سازی حقیرانه اعلام گردید که دست پخت کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی و خانه کارگری ها و سالاری مدیرعامل تامین اجتماعی است. بی دلیل نیست که حراستی های وزارت کار و ماموران امنیتی از وجود دو تن از بازنشستگان مستقل این چنین پریشان می شوند چرا که حرف حق و مطالبات قانونی را بارها از زبان این حق جویان شنیده اند. آری تاریکی تحمل روشنایی را ندارد. کفایت داریی های این دوستان مطالبه گر را مقایسه کنیم با داریی های افسانه ای محجوب، بیات و اسدی و دیگر بی عرضه های کانون تهران و کانون عالی.

نمایش کانون عالی ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، محمد اسدی رییس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی که هر روز با اعتراضات بیشتری از سوی بازنشستگان مواجه شده است و سواستفاده های مالی این کانون از جیب بازنشستگان برملا می شود به دست و پا افتاده و برای اینکه خود را فعال نشان دهد در نامه ای به آقای پزشکیان در خصوص واریز حق بیمه ها به خزانه دولت که در برنامه هفتم توسعه از مهرماه اجرایی شده است، خواستار لغو آن گردیده است. این درحالی است که بارها چه با نوشتن نامه و چه در دیدارهای بازنشستگان با مسوولین وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی، ضد کارگری بودن برنامه هفتم توسعه را بارها اعلام و در خصوص نابودی گام به گام سازمان تامین اجتماعی که در این برنامه کلید خورده است افشاگری های لازم را کردند. اما از آنجایی که این آقایان به دنبال رییس جمهور کردن آقای قالیباف و غرق در نفت و لیس بودند به این اعتراضات گوش های خود را بستند و امروز به ناگهان از خواب پریده و به این مصوبه اعتراض می کنند. آقای محمد اسدی، بیش از صدها بار در تجمعات خود به این مصوبه غلط و ضد کارگری بازنشستگان مستقل اعتراض کردند و شما خود را به خواب زدید. بارها به دهقان کیا همکار بی عرضه تر از شما گفتیم که در مجلس به نمایندگان در خصوص این ماده اعتراض کنند. گنجاندن این ماده در برنامه هفتم توسعه از سوی مافیای اتاق بازرگانی فقط برای شکستن کمر تامین اجتماعی است. امروز دیگر این اعتراض بازی ها رنگی ندارد. کانون عالی و اعضایش همگی غرق فساد و سواستفاده های شخصی هستند و مشکلات بازنشستگان برایشان اهمیتی ندارد. همچنانکه دیدیم دست پخت این افراد را در همسان سازی تحقیرآمیز که برای گرسنه نگه داشتن بازنشستگان رقم خورد. آوردن افرادی چون اسدی ها در راس

تشکلی به این مهمی بی دلیل نیست، اینان خود فروشانی هستند که برای خیانت به زحمتکشان از طریق مافیا برگزیده شده اند.

بازنشستگان می خواهند بدانند!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نمایش عقد قرارداد با بیمه تکمیلی آتیه سازان که توسط هنرپیشه هایی چون محمد اسدی، دهقان کیا، عیوضی، بیات و مافیای آتیه سازان صورت گرفت و مقرر شد به بازنشستگان تلقین شود که به جز آتیه سازان هیچ بیمه تکمیلی دیگری حاضر به عقد قرارداد نیستند. هر چند که اتحادیه شرکت های بیمه ای اعلام کرد که هیچ تقاضایی برای این اتحادیه در خصوص بیمه کردن بازنشستگان تامین اجتماعی برایشان ارسال نگردیده است. حالا بازنشستگان از این امضا کنندگان بیمه تکمیلی سوالات زیر را می پرسند: ۱- یک هفته اطراق در هتل انزلی برای بازنشستگان تامین اجتماعی چقدر آب خورده است؟ ۲- مبلغ هدایای داده شده به مافیای آتیه سازان و اعضای هیأت مدیره کانون عالی چقدر از جیب بازنشستگان هزینه شده است؟ ۳- تعداد ۲۰۰ نفر از فرزندان، عروس ها، دامادها، و فرزندان شاغل در آتیه سازان چه کسانی هستند؟؟ آیا بستگان محمد اسدی، بیات، دریابیگی، پنجکی، عیوضی، دهقان کیا و حتی آقای سالاری هم جزو این افراد هستند؟؟ دوستان بازنشسته، اینکه چرا کانون عالی و کانون های استان ها هزینه های خود را شفاف سازی نمی کنند بی دلیل نیست چون از جیب شما برای خود هدیه و پاداش خرج می کنند. اینکه سازمان و کانون عالی فقط و فقط می خواهند با آتیه سازان قرارداد ببندند بی دلیل نیست. هیات مدیره آتیه سازان اگر با بازنشستگان تامین اجتماعی قرارداد نبندند باید به همراه آقازاده ها و خانم زاده ها بروند غاز بچرانند. اکثریت افراد موثر در آتیه سازان خود دارای شرکت هایی هستند که تامین کننده دارو، کیت های آزمایشگاهی بوده و از این راه سالانه میلیاردها دلار به جیب می زنند. با فروش دارو و کیت های آزمایشگاهی و لوازم آزمایشگاهی و تصویر برداری به چند برابر قیمت بازار به سازمان تامین اجتماعی و بیمارستان هایش به ثروت های افسانه ای رسیده اند. بیمه تکمیلی گاو شیردهی است که مافیا از آن دست بردار نیست. بی دلیل نیست که نه کانون عالی و نه کانون های سراسر کشور به دنبال اجرایی شدن ماده ۵۴ نیستند. درآمدهای افسانه ای حالا حالا باید ادامه یابد.

پلیدهایی که از درد و رنج انسان ها به ثروت اندوزی مشغولند. ننگ و نفرین دوزخیان بر آنان باد.

بازنشستگان خواهان همسان‌سازی کامل هستند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، آقای میدری وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی در یک گفتگوی تلویزیونی گفت: «احکام همسان‌سازی بازنشستگان تأمین اجتماعی برای حدود هشتصد هزار بازنشسته صادر خواهد شد و برای ۳ و نیم میلیون نفر احتیاجی به صدور حکم نیست.» که منظور ایشان از ۳ و نیم میلیون نفر کسانی هستند که حداقل مقدار یعنی فقط ۷۱۶ هزار تومان به مستمری شان اضافه شده است. در حالی که جامعه بازنشستگان تأمین اجتماعی انتظار دریافت حداقل ۵ میلیون تومان افزایش حقوق بر اساس اجرای فرمول متناسب‌سازی را داشتند. اما با مشاهده افزایش ۷۱۶ هزار تومانی به حقوق ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی حداقل‌بگیران، شوکه شدند و حباب خیالی اجرای عدالت در پرداخت حقوق خود را بر باد رفته دیدند. در این رابطه سوالات زیر ذهن بازنشستگان را درگیر کرده است:

- ۱- معنی متناسب‌سازی چیست؟ از نظر بازنشستگان، همسان‌سازی یعنی جبران عقب ماندگی اولین حقوق بازنشستگی نسبت به حداقل دستمزد سال بازنشستگی و عبارتی حفظ قدرت خرید اولین حقوق بازنشستگی در همه سال‌های بازنشستگی. در حال حاضر بازنشستگان حداقلی بگیر از سال ۱۳۸۷ تا سال جاری حدود ۶۰ درصد و بازنشستگان سایر سطوح تا حدود ۱۱۰ درصد عقب ماندگی حقوق از نرخ تورم ۱۶ ساله دارند که باید جبران می‌شد. علت این عقب ماندگی هم اینست که در این ۱۶ سال اولن رویه پلکانی همسان‌سازی معکوس اجرا شده و دومن سازمان برخلاف ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی برای ترمیم و افزایش حقوق بازنشستگان از مصوبات شورای عالی کار تبعیت نموده است. عبارتی سازمان تأمین اجتماعی، شورایی عالی کار و کانون عالی بازنشستگان مقصر اصلی کاهش حقوق بازنشستگان می‌باشند بنابراین متناسب‌سازی برای جبران این فاصله باید صورت گیرد که انتظار می‌رفت افزایش حقوق برای حداقل‌بگیران، دست کم مبلغ ۵ میلیون تومان باشد. ۲-
- چه تعداد بازنشسته و مستمری‌بگیر در فاصله ۷ میلیون و ۱۵ میلیون تومان حقوق هستند که آنها نیز حداقل افزایش مستمری یعنی ۷۱۶ هزار تومان را دریافت کردند، نه بیشتر؟! ۳-
- در برنامه هفتم توسعه ذکر شده که بازنشستگان ۹ دهم حقوق کارکنان را دریافت نمایند. آیا متوسط دریافتی یک شاغل با مزایا و اضافه کاری ۹ میلیون تومان است که ۹ دهم آن بشود (۷ میلیون و دویست بعلاوه ۷۱۶ هزار تومان) ۸ میلیون تومان؟! اگر این‌طور است که باید بر احوال آن مملکت گریست که خط فقر ۵۰ میلیون و دریافتی کارمند ۹ میلیون تومان است وگرنه ایراد و ناراستی در اجرای قانون وجود دارد. ۴- برخی می‌گویند صندوق تأمین اجتماعی توان پرداخت این مبالغ را ندارد. پاسخ اینست که طی سالیان طولانی، از اول انقلاب تا کنون، اگر دولت‌های متعدد بدهی شان به سازمان تأمین اجتماعی را بموقع پرداخت می‌کردند، الان صندوق سازمان پر و پیمان بود. سؤال آنست که چرا مدیران عامل سازمان و مسئولان کانون بازنشستگان بقدر کافی پیگیر دریافت طلب سازمان از دولت نبوده‌اند؟! در ضمن یک‌درصد مالیات بر ارزش افزوده که در بودجه سال جاری از اول سال از

۹۰ میلیون ایرانی برای همسان سازی گرفته شده چند میلیون همت است که فقط ۸ همت آن را برای همسان سازی اختصاص داده اند. بنا به دلایل عدیده منجمله دلایل فوق، فعالین مستقل بازنشستگان یکصدا می گویند: همسان سازی کجا بود/دروغ، تزویر، ریا بود

بازنشستگان متحد تهرانی (فلزکار مکانیک، بافنده، چاپ، شهاب خودرو، فیلکو)

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مدیر عامل تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک با خبرگزاری ایلنا

تضعیف «امکان» و «اسکان» کارگران با فراموشی تعاونی‌های کارگران/ خلع سلاح جامعه کارگری با عدم اجرای مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ قانون کار

بسیاری از فعالان کارگری معتقدند دیگر حمایت خاصی از اتحادیه امکان و اسکان از سوی دولت و وزارتخانه‌ها صورت نمی‌گیرد و اهمیتی که در دهه‌های گذشته نسبت به اتحادیه‌های تعاونی‌های کارگری در حوزه مسکن و مصرف وجود داشت، دیگر وجود ندارد. به گزارش خبرنگار ایلنا، ۲۹ آبان ماه سالروز تصویب قانون کار ایران، همواره یادآور بخش‌ها و فصل‌هایی است که تا حد ممکن در آن تلاش شد تا از حقوق کارگران در برابر دولت و کارفرمایان صیانت شود، اما رفته رفته مترقی‌ترین بندهای آن به بوته فراموشی سپرده شده و اجرایی نشد. گاهی برای برخی از آن‌ها چنان دادنامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی پیچیده نوشته شد که در عمل و در اجرا دیگر نتوان به برخی از مواد آن رجوع کرد. یکی از این مواد مورد غفلت واقع شده که چندین دهه است، اجرایی نمی‌شود، بحث مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ قانون کار درباره تعاونی‌های کارگری است.

ننویبیر الیسم؛ عامل فراموشی تعاونی‌های مصرف و مسکن کارگری!

مازیار گیلانی نژاد (فعال کارگری و مدیر تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک) درباره نحوه فراموشی تعاونی‌های مسکن و مصرف کارگری گفت: قبلاً اتحادیه اسکان به کارگران زمین و وام می‌داد و حمایت‌هایی نیز از سوی بانک رفاه و بانک مسکن در این مسیر داشت تا برای کارگران مسکن ساخته شود. این روند تا دهه هفتاد ادامه داشت و بحث مسکن‌سازی به انحای مختلف انجام می‌گرفت تا در پایان دهه هفتاد و به ویژه از دور دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی این روند متوقف شد. در این دوره به اصل ۴۴ قانون اساسی بی‌توجهی شده و نقش تعاونی‌ها تضعیف شد. وی افزود: تعاونی‌ها در دهه هشتاد به سمت فعالیت‌های مالی کشیده شدند. مسائلی هم حول تعاونی‌های مالی ایجاد شد که تعاونی‌ها را بدنام کنند و تعاونی

کارگری نیز در بی‌توجهی منزوی ماند. با تغییرات قانونی اندوخته‌های کوچک کارگران و خانوارهای ضعیف آب شده و ضایع شد. تعاونی‌های مسکن در بسیاری از ادارات تعاون استان‌ها در حال تعطیل شدن هستند. زیرا هیچ حمایتی از سوی دولت با وجود تعهد قانونی آنان طبق قانون کار، برای آنان ارائه نمی‌شود. این فعال کارگری تاکید کرد: تعاونی‌های مصرف کارگری نیز در چهارچوب سیاست‌های نئولیبرالی و اینکه به جای کالا حتما پول نقد داده شود، از بین رفتند و حمایت‌ها در چهارچوب سیاست‌های پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از بین رفت. این فرهنگ به مرور همه‌گیر شد که به کارگران و مردم پول نقد بدهیم تا در زیر آفتاب تورم به مرور ارزش آن از بین برود و دیگر کارگر از اینکه قبلاً به او بن کالا و خود کالا داده می‌شد، یادی نکند. بسیاری از تعاونی‌های مصرف که با کارخانه‌ها ارتباط داشتند، دچار مشکل شدند. او تصریح کرد: ما از تلاش‌هایی که برای تضعیف اتحادیه امکان شد آگاهیم. با تضعیف اتحادیه امکان به عنوان تشکل مادر، به مرور فروشگاه‌های آن به فروش رسیده و زمین‌های موردنظر از دست رفت. در واقع ابزاری که کارگران با آن می‌توانستند تا حدی بر امواج تورم و گرانی فائق بیایند نیز با تضعیف تعاونی‌های کارگری از ما دریغ کردند. ما عملاً کارگران را از همه لحاظ خلع سلاح شدند.

گزارش: رضا اسدآبادی

گرانی تا به کجا!!!؟؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، گران شدن ۳۸ درصدی برق بدون آنکه به مردم خبر داده شود، اولین گرانی ششماهه دوم سال نیست. حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با توجه به افزایش نرخ دلار به کانال ۷۰ هزار تومان به رسانه‌ها اعلام کرد که: «مردم باید منتظر مرغ ۱۴۰ هزار تومانی باشند.» گرانی ۲۵ درصدی سراسری نان در کشور که از مهرماه کلید خورده بود به تخم مرغ و حتا گوجه فرنگی هم رسید. این گرانی‌ها در حالی از سوی دولت به مردم تحمیل می‌گردد که حقوق کارگران و کارمندان و همه مزدبگیران از اول سال تاکنون ثابت بوده و همسان سازی مستمری بازنشستگان نیز با حقه بازی افزایش آنچنانی نیافته است. از ابتدای سال تاکنون حداقل کالاها ۵۰ درصد گران شده‌اند و به همین مقدار نیز سفره‌های مزدبگیران کوچکتر شده است. دزدی‌های آشکار از سفره‌های مردم در حالی صورت گرفته است که رییس دولت رویکرد مثبت به نفع زحمتکشان را در شعارهای انتخاباتی خود گنجانده بود. هر چند که چه در ایران و با آمدن رییس دولتی جدید و چه در آمریکا، روسای دولت در خدمت سیستم سرمایه‌داری و برنامه‌های ضد کارگری نئولیبرال قرار دارند و بهانه اینکه مشکلات پیش آمده متعلق به دولت گذشته است بیشتر فرار رو به جلوی دولت هاست. کافی است بازی مافیا با ارز و دزدی‌های هر روزه

را که با افزایش قیمت کالاها رقم می خورد را نقطه پایان گذاشت تا اولین قدم ها به سوی اقتصادی درست پیش برود. اما موضوع این است که مافیا خواهان سود بیشتر با دزدی از سفره های زحمتکشان حتا به قیمت مرگ تدریجی خانواده های کارگری است.

نقش سیاست های نئولیبرالیستی در خودکشی ها!



چندی است در خبرها از پایان غم انگیز زندگی نوجوانان، جوانان، و حتا افراد سیاسی و روشنفکران می شنویم. نوجوان و جوانانی که به دلیل نداشتن امکانات مالی متاسفانه خود را حلق آویز می کنند و یا اینکه دخترانی که طعمه هوس بازی و قوانین عقب افتاده قبیله ای می شوند. از طرفی هم اعدام جوانانی که در این حکومت بزرگ شده و ناهنجاری های جامعه دامن شان را گرفته است و یا دادخواهانی که مافیا برای انتقام از آنان و زهر چشم گرفتن از دیگران حکم اعدام صادر کند. اما اینکه افرادی سیاسی چون مرحوم سنجری برای یک خواست سیاسی دست خودکشی می زنند، موردی است که باید موشکافانه به آن نگریم. نئولیبرالیسم در بخش فرهنگی و اخلاق جامعه فرد را تنها، منزوی، و بدون آینده می خواهد. به او القا می شود که باید به تنهایی مبارزه کند و اگر شکست خورد کسی نیست که به او کمک کند. این تفکر هرگونه جمع، سازمان و حزبی را متلاشی می خواهد تا آرمانگرایی و خردجمعی و عمل جمعی شکل نگیرد. سالهاست این تفکر هرگونه سازمان گرایی را متلاشی کرده و از آن هراسناک است. نئولیبرالیسم به دنبال قانون زدایی در همه عرصه ها از سیاست، اجتماع، فرهنگ و اخلاق در جامعه است. در سیاست با پشت کردن به قانون و دست زدن به تقلب، دروغگویی و حتا کشتن افراد موثری سیاسی و کودتا ابایی ندارد. شیلی و ایران نمونه های خوبی برای تحقیق در این مورد است. در اجتماع با قانون

زدایی از قانون کار، پوشش دلخواه، نابودی تامین اجتماعی و تجاوز به حقوق فردی و تحمیل بی قانونی فعال است. در اقتصاد از دزدی، اختلاس، به همه ریختن اقتصاد و تحمیل گرانی و تورم برای سودجویی، از هیچ بی اخلاقی رویگردان نیست. در فرهنگ با تحمیل سانسور و پروبال دادن به روشنفکران سطحی و هنرمندان بی مایه از هیچ عملی رویگردان نیست. در اخلاق با در نوردیدن هر خط قرمزی و رواج بی بند و باری، ازدواج های سفید، تاسی به زندگی بی مایگان هنرمند، حاکم کردن پست مدرنیسم تا احمقانه جلوه دادن فداکاری و یاری به انسانها را تبلیغ می کند. انسان تنها و منزوی به راحتی قابل شکستن و طرد از جامعه است. به فرد و جامعه اینگونه القا می شود که در مقابل هیولایی قرار دارد که همه کاره جامعه است و هرگونه تلاش برای مبارزه با این پلیدی منجر به شکست است و آن چنان در چنگال این پلیدی گرفتار است که هیچ برون رفتی از آن امکان پذیر نیست. اینجاست که فرد و جامعه گوشه گیر و منفعل می شود. برای مثال از ۵/۴ میلیون بازنشسته تامین اجتماعی در سراسر کشور کمتر از هزار نفر در تجمع ها شرکت می کنند، چرا؟؟ در روز گرامیداشت احمد شاملو و روز مبارزه با سانسور حتی ۱۰۰ نفر هم به سر مزار این قلعه سترگ شعرنو نمی آیند، چرا؟؟؟ این انفعال و بی تحرکی دلیلش چیست؟؟ کار تفرقه اندازان و نفوذی ها و دوستان نادان که برای خودنمایی دست به تخریب دوستان فعال خود می زنند هم بخشی از ترفندهای نئولیبرالیسم است. به جوانان چنین القا می کنند که دنیا باید برای شخص تو بگردد، هیچ کس و هیچ چیز اهمیت ندارد و نباید سد راه موفقیت تو شود. به آخرین مطلب ورزشکار کیمیا علیزاده بعد از المپیک نگاه کنید. فردگرایی از آن می بارد. در این مطلب که با القای اسپانسر هایش صورت گرفته نه کشور، نه پدر و مادر برای موفقیتش اهمیتی ندارد. در جشنواره های خارجی فیلم های همجنس گرایی و برهنگی با عنوان آزادی فردی تبلیغ می شود. آری نیمی از انسانهای دنیا (زنان) فقط برای سودجویی جنسی و ثروت اندوزی مورد استفاده قرار می گیرند و در این راستا مدلینگ برده داری نوینی است که بسیار تبلیغ می شود. نئولیبرالیسم به خود حق می دهد برای سودجویی برای خرد کردن شخصیت انسانها و جامعه دست به هر کاری بزند. آنچه در غزه و یا عملکرد طالبان در بیخ گوشمان می گذرد بخشی از این تفکرات نئولیبرال است. این تفکر برای مسخ انسانها و تاراج ثروت جامعه توسط ایلان ماسک و بیل گیتس دلقک هایی چون زلنسکی و ترامپ را برای ریاست جمهوری بر می گزیند. در کشور ما هم کم نیستند از این دلقک ها، کسانی که لایه اوزون را با چرخ خیاطی می خواهند بدورند و یا آتانی که همچنان در فکر حسینیه کردن کاخ سفید هستند. آری سنجری ها آن چنان باید مرعوب و ناامید شوند که تنها راه مبارزه را در مرگ خود ببینند نه در یک حرکت جمعی.

مازیار گیلانی نژاد ۷ آذر ۱۴۰۳

قسم حضرت عباس ربیعی قابل باور نیست؟؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، آقای ربیعی دستیار ویژه رییس دولت در امور اجتماعی، در مصاحبه با خبرنگاری ایلنا گفت: «ایجاد زمینه فعالیت تشکل های مردم نهاد از برنامه های دولت چهاردهم است» آقای ربیعی، قسم حضرت عباس شما قابل باور نیست چرا که سالها تصدی در وزارت کار و شورای مرکزی خانه کارگر به اندازه کافی دم خروس دروغگویی تان را برملا کرده است. کیست که نداند وضعیت سیه روزی زحمتکشان ایران دست پخت فعالیت های ضدکارگری شما و هم کاسه های تان چه در مقام امنیتی و چه وزیر کاری و چه در شورای مرکزی خانه کارگر است. یادمان نرفته چگونه اوباش را در اوایل انقلاب سازماندهی کردید و با چوب و چماق خانه کارگر را از صاحبان اصلیش گرفتید؟؟ در سال ۶۲ با حمله به سندیکاهای کارگری مینی بوس مینی بوس مبارزین سرسخت سندیکایی را به اوین بردید؟؟ که هنوز تنی چند از این سندیکالیست ها زنده هستند و از روز حمله خاطرات تلخی دارند. در مقام یک مامور امنیتی بیش از ۱۰۰ سندیکای کارگری را منحل کردید که حتا در زمان شاه هم فعالیت داشتند. شما سالها وزیر کار بودید و در زمان شما سرکوب سندیکاهای کارگری شدت داشت و هنوز بسیاری از کوشندگان سندیکایی از پرونده سازی که خانه کارگر برایشان تدارک دید با خبرند. چرا نمی گوئید در سال ۱۳۸۴ چه کسی فرمان حمله به سندیکای نانوا را داد؟؟ چه کسی اتوبوس گرفت و چوب های تراشیده به دست اعضای خانه کارگر داد تا به سندیکای نانوایان تهران حمله کنند؟؟ مگر در آنجا جز تدارک برای بازگشایی یک سازمان مردم نهاد(بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه) توسط سندیکالیست های قدیمی چون مهدیون که شما به خوبی ایشان را می شناسید، انجام می گرفت؟؟ شما به عنوان عضو ارشد خانه کارگر با کسانی که ابراهیم مددی را کتک زدند و با شیشه گلوی منصور اسانلو را بردند چه برخوردی کردید؟؟ امروز طرفدار سازمان های مردم نهاد شده اید که در سرکوبش دست داشته اید. مراسم روز کارگر گروههای کوهنوردی را در سال ۱۳۹۳ در کرج که دهها اتوبوس حامل خانواده های کارگری بود چرا متوقف و مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ساعت ۱۲ نیمه شب دستگیر و به زندان برده شد مگر ۳ هزار کارگر به همراه همسر و فرزندانشان در باغ روستای برغان چه می خواستند بکنند که این رفتار با آنان شد و شما به عنوان وزیر کار چه واکنشی انجام دادید جز تهدید خبرنگاران برای انتشار خبر دستگیری مازیار گیلانی نژاد؟؟ همه اینها گذشته شما اگر واقع طرفدار سازمان های مردم نهاد هستید چرا در مورد اخراج علی خدایی و علیرضا میرغفاری با احمد میدری وزیر کار و دوست قدیمی تان برای بازگشت اینان به شورای عالی تعیین حداقل دستمزد گفتگو نمی کنید؟؟ هر دو این کارگران برگزیدگان رسمی نهادهای مورد وثوق وزارت کار بوده و مجوز رسمی برای فعالیت دارند که با اعمال فشار مافیای کارفرمایی از جلسات شورای عالی کار کنار گذاشته شده اند. آقای ربیعی، بچه جوادیه، حداقل حرمت این محله کارگری را نگه داشته

خالی بندی نکنید، شما و خانه کارگر دست سازتان و شوراهاى اسلامى کار و کانون هاى بازنشستگى و کانون هاى بازنشستگان تامین اجتماعى حتا تا صد سال ديگر هم خواهان ايجاد سازمان هاى مردم نهاد نخواهيد شد چرا که از شفافيت و پاسخگويى به زحمتکشان در هراسيد. راست مى گوييد در مورد درآمدهاى مالى و هزينه هاى خانه کارگر شفاف سازى کنيد. در مورد ثروت و اموال خود، عليرضا محبوب، سهيلا جلو دار زاده، حسين كمالى، على دهقان كيا، على اكبر عيوضى و صد البته محمد اسدى رييس کانون هاى بازنشستگان تامین اجتماعى شفاف سازى کنيد تا معلوم شود مثال: «گر به از برای خود موش مى گیرد» غلط است. سازمان هاى مردم نهاد يعنى شفافيت در عمل و کردار و پاسخگو بودن به مردم.

فساد مالى اساسى نئولبيراليسم!

تمکين نکردن به هيچ قانونى از اصول اوليه سياست هاى سرمايه دارانه نئولبيراليسم و مجريان آن است. آنان خواهان آزادى عمل در همه شئون زندگى جامعه هستند. به اين آمار نگاهى بياندازيم: کلاهدردارى پديده شانديز از ۱۳۶ هزار مالباخته، دهها هزار مالباخته شرکت بادران، کلاهدردارى ۳۰ هزار ميليارد تومانى رضاييت خودرو از ۵۰ هزار نفر، کلاهدردارى از هزاران خريدار گوشى آيفون با ترفند قسطى، دزدى آشکار شرکت هاى بزرگ خودروسازى از خريداران و تحويل خودروهاى معيوب به مردم، دادن وام هاى کلان توسط مديرعامل بانک پاسارگاد به خود و ديگر اعضاى هيات مديره به جاى دادن اين وام ها به مردم. مافياى نئولبيرال فساد را با اين حرکات در جامعه عادى جا مى اندازد و اين کار را در ميان عوام «زرنگى» عنوان مى کنند. اگر اداره ماليات و يا بازرسى کل کشور اينگونه شرکت ها را به دقت بررسى و ماليات دقيق مى گرفتند هرگز چنين شرکت هاى پايى پا نمى گرفتند. چشم پوشى از ماليات اين گونه شرکت ها، بانک ها و هر موسسه اى که کار مالى و اقتصادى مى کند، به گسترش فساد کمک مى کند و اين دستور مافياى نئولبيرال است. در سيستم نئولبيراليسم از صدر تا ذيل بايد فاسد، ضد قانون و همه چيز را فقط براى خود بخواهند و خود را «ژن برتر» مى دانند. دزدى آشکار بيمه تکميلي از هر نام، از بيمه گذران خود و پاسخگو نبودن هيچ اداره، دادگستري، به اين دزدى ها اصل اساسى براى هرج و مرج در جامعه براى فرار اين مافيا طرح ريزى شده است. با اين شيوه هرج و مرج ايجاد شده در اقتصاد، سياست، فرهنگ ديگر کسى نمى تواند سر کلاف اين بى قانونى را ببابد.

چرا نئولبيراليسم اينگونه عمل مى کند؟؟

وقتى بى قانونى و دزدى حاکم باشد به راحتی مى توان ثروت جامعه را به يغما برد و جامعه را منفعل و عقب مانده نگه داشت و آماده هرگونه تغيير منفى نمود از کودتا تا تکه تکه کردن جامعه. فشار معيشتى به زحمتکشان و کاستن از بودجه خدمات عمومى و يارانه ها، گسترش

گرانی و گرسنگی از ترندهای نئولیبرالیسم است و با این شیوه ها جامعه را آماده پذیرش قوانین ضد انسانی می کنند. نئولیبرال ها در همه جهان مردم را برده خود می خوانند و هیچ حقوق انسانی را به جز خود برای دیگری قایل نیستند. برای مبارزه با این شیوه غیر انسانی سیستم نئولیبرال باید برای هر سلیقه و هر مطالبه ای گروهی تشکیل داد و با مبارزه جمعی این سیاست پلید را از جامعه زدود. هرچه تشکل های نظامند در جامعه نئولیبرال بیشتر شوند، می توان علیه این سیاست ها مبارزه ای عدالت خواهانه را پیش برد. فساد دست مایه سیستم نئولیبرال است، فاسدان را افشا کنیم.

همسان سازی یا مرگ تدریجی بازنشستگان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با همه هیاهوی به کار رفته از سوی وزارت کار و کانون های بی خاصیت بازنشستگی که با همدستی کانون عالی بازنشستگان صورت گرفت نه تنها موضوع همسان سازی را به حاشیه بردند بلکه اهرمی شد برای سرکوب کوشندگان بازنشستگی. همسان سازی یعنی جبران عقب ماندگی نسبت اولین حقوق بازنشستگی نسبت به حداقل دستمزد سال بازنشستگی و عبارتی حفظ قدرت خرید اولین حقوق بازنشستگی در همه سالهای بازنشستگی. در حال حاضر بازنشستگان حداقلی بگیر از سال جاری تا سال ۱۳۸۷ تا حدود ۶۰ درصد و بازنشستگان سایر سطوح تا حدود ۱۱۰ درصد عقب ماندگی حقوق از نرخ تورم ۱۶ ساله دارند که باید جبران می شد. علت این عقب ماندگی هم این است که در این ۱۶ ساله اولن رویه پلکانی همسان سازی معکوس اجرا شده و دومن سازمان تامین اجتماعی برخلاف ماده ۹۶ برای ترمیم و افزایش حقوق بازنشستگان از مصوبات شورای عالی کار تبعیت نموده است عبارتی شورای عالی کار و کانون عالی بازنشستگان مقصر اصلی کاهش حقوق بازنشستگان می باشند. مقصر دیگر این همسان سازی ناقص و دروغین هم سازمان تامین اجتماعی است که ماده ۹۶ را به نادرستی اجرا نموده است. باید با همه بازنشستگان گفتگو نمود و آنان را در خصوص دغل بازی وزارت کار و کانون عالی آگاه کرد. اختلاف افکنی بین حداقل بگیر و سایر سطوح دقیقن به این خاطر صورت می گیرد که مافی می داند سایر سطوح حساب کتاب می داند و باید از میدان مبارزه دور کرد تا بتوان راحت تر باقی مانده افراد را سرکوب نمود. بازنشستگان کوشنده باید پیگیر باشند و با اعتراض به این فرمول مسخره را که به همسان سازی تبدیل شده را حذف کرده و همسان سازی را آن گونه که تعریف کردیم یعنی جبران عقب ماندگی مستمری ها با توسل به ماده ۹۶ اجرایی کنند.

چرا فساد هست؟؟!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وزیر کار آقای احمد میدری طی نشستی با نمایندگان بازنشستگان کشوری گفت: «پتروشیمی آبادان که روزی سوخته بود امروز باید ماهیانه مبلغ ۱۱۰ میلیارد تومان از حقوق بازنشستگان برداشته به این شرکت بدهند. معمولن هفته ای دو گزارش محرمانه از فساد شرکت ها به دست ما می رسد. بازنشستگان محترم خبر ندارند که از بیمه تکمیلی درمان شما برداشتند و جای دیگری خرج کردند» جناب میدری، اینهایی که شما می گوئید بیش از ۳۰ سال است که فعالان عرصه کارگری می دانند و بارها گفته و به زندان رفته اند. شما هم بی تردید به جز گفتن این حرفها هیچ کار دیگری نمی کنید و نخواهید کرد چون اراده و توانی برای مبارزه با مقامات فاسد ندارید دلیلش هم روشن است. برای ماندن در این پست جز خریدن وفاداری زیردستان ابزاری جز اعطای رانت و امتیاز های مالی به مافیا ندارید. اساسن ابزار حکمرانی تان در وزارت کار منوط به چشم پوشی بر فساد است. در این جلسه گفته اید: «ما به یک هیأت نظارت و شفاف سازی نیاز داریم تا به سمت سودآوری شرکت ها حرکت کنیم» جناب میدری، نمی توان با افراد فاسد به جنگ فساد رفت. وقتی جلسات مرتب با فاسدانی چون اعضای کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی می گذارید چگونه می خواهید راه فساد را ببندید؟؟ از خودتان شروع کنید. در مورد درآمدها شفاف سازی کنید و از معاونین و مدیران کل وزارت خانه بخواهید آنان نیز در مورد درآمدها شفاف سازی کنند و قانون از کجا آورده ای را هم در مورد خودتان و هم معاونین، مدیران کل، مدیران هلدینگ ها و شستا را اجرایی کنید تا بستر فساد تعطیل شود. پندی حکیمانه که در میان مردم بسیار رایج است می گوید: «پدر خانواده دزد نباشد، افراد خانواده دزد نخواهند شد» اگر در کار خود واقف مصمم هستید ما می توانیم افراد شایسته ای را به شما معرفی کنیم که در این راه یاری تان کنند: ۱- دکتر حسین راغفر ۲- دکتر فرشاد مومنی ۳- وکیل مینایی ۴- وکیل نسرین ستوده ۵- علی خدایی و میرغفاری اعضای شورای عالی تعیین دستمزد ۶- کارگران مبارز ناصر چمنی، فریدون نیکوفر، ناصر اسالو... و صداها بازنشسته پاک دست که هر هفته کف خیابان برای مطالباتشان فریاد می کشند، می توانند در خصوص فسادزدایی به شما کمک کنند. برای اولین قدم اگر واقف در این خصوص مصمم هستید علی خدایی و میرغفاری را که از فیلترهای وزارت خانه شما رد شده اند را در شورای عالی تعیین دستمزد ابقا کنید تا با توسل به قانون اساسی و ماده ۴۱ قانون کار و ماده ۹۶ تامین اجتماعی فسادان ضد قانون را سرچایشان بنشانند و حق کارگران و بازنشستگان را با توسل به قانون بگیرند. شما حرکت ضد فساد خود را آغاز کنید تا مانیز به شما راه نشان دهیم البته اگر به نامه ما که در تاریخ ۲۳ مهر ۱۴۰۳ و شماره دبیرخانه ۱۲۳۴۲۳ که نزد آقای سنگسری است پاسخ دهید و زمانی را برای دیدار تعیین کنید حرف های شنیدنی به شما، نمایندگان فرهیخته ما خواهند زد. پند ما را بشنوید، فسادزدایی مانند تمیز کردن راه پله هاست از بالا باید شروع کرد.

بازنشستگان متحد تهران ۲۸ آبان ۱۴۰۳

اعتراف وزیر کار در خصوص مافیا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وزیر کار در دیدار با نمایندگان کانون بازنشستگان کشوری از وجود مافیای قدرتمند در صندوق های بازنشستگی پرده برداشت. ایشان در بخشی از سخنان خود با اعتراف به اینکه: «هفته ای دو گزارش محرمانه از فساد شرکت ها به دست ما می رسد... شما بازنشستگان محترم خبر ندارید از بیمه تکمیل درمان شما برداشتند و جای دیگری خرج کردند... ماهانه ۱۱۰ میلیارد تومان از حقوق بازنشستگان برداشته به پتروشیمی آبادان می دهیم» این اعترافات که از زبان وزیر کار عنوان می شود سوالاتی را برای بازنشستگان پیش می آورد از جمله اینکه: ۱- برای حذف این مافیا از صندوق های بازنشستگی چه کرده اید؟؟ ۲- چرا بازرسی کل کشور و وزارت کار و حتی وزارت اطلاعات را در این خصوص در جریان نگذاشته و علیه این دزدان اقدام نکردید؟؟ ۳- برای برگشت اندوخته های بازنشستگان به صندوق هایشان از دست این مافیا چه کردید؟؟ ۴- آیا از وزیران سابق که به این دزدی ها چشم پوشی کرده اند، شکایتی به دستگاه قضا ارسال نموده اید؟؟ واقعبینان این است که این گفتار درمانی مسوولین دیگر موثر نیست و بیشتر بازنشستگان می دانند که خود شما هم در این پرونده ها مقصر هستید چرا که اگر در گفتار خود صادق باشید باید تاکنون از وزاری کار، صنعت و معدن، کشور و ... شکایت می کردید اما نکردید و نخواهید کرد. مافیا آن چنان مسوولان را در چنبره خود گرفته که فقط باید مجری اوامر آنها باشند. ایشان در همین جلسه گفته اند: «ما به یک هیأت نظارت و شفاف سازی نیاز داریم» اما تنها کاری که نکرده اند ایجاد هیأت نظارت است چرا که شفاف سازی از تاریکخانه های مافیا در شستا، بیمه آتیه سازان حافظ، مافیای اخراج کننده علی خدایی و علیرضا میرغفاری از شورای عالی تعیین دستمزد، آقازاده ها و خانم زاده های بی عرضه جا گرفته در وزارت خانه و مافیای بیمه تکمیل درمان، حیف و میل های صورت گرفته در وزارت خانه و شستا و تامین اجتماعی از جمله پرداخت برای راهپیمایی اربعین از جیب زحمتکشان، عواقب ناگواری برای ایشان دارد. البته ایشان در یک مورد شفاف سازی را با شدت و پیگیرانه انجام می دهد و آن هم دستور به عکسبرداری از تجمع کنندگان یکشنبه های اعتراضی است تا بطور شفاف کسانی را که علیه سیاست های ضد کارگری و مافیای نئولیبرال فعال هستند را شناسایی و به مقامات امنیتی گزارش کنند کاری که در آن دوستان بی عرضه ایشان از جمله دهقان کیا و عیوضی استاد هستند.



سلام

در تاریخ بشر سابقه نداشته
شاعری همچون سعدی بتواند در
یک بیت به اندازه‌ی ده‌ها کتاب
مسئولیت‌پذیری را بیان کند.

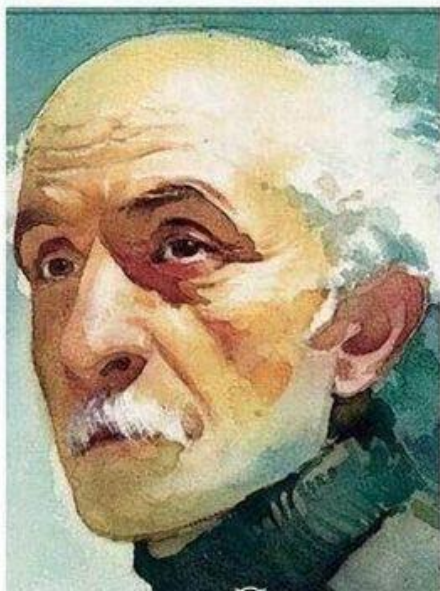
ریاست به دست کسانی خطاست
که از دستشان دست‌ها بر
خداست

امروزتان قشنگ



من چهره ام گرفته
 من قایقم نشسته به خشکی
 مقصود من ز حرفم
 معلوم بر شماست:
 یک دست بی صداست
 من، دست من کمک ز دست شما
 می کند طلب.

فریاد من شکسته اگر در گلو، وگر
 فریاد من رسا
 من از برای راه خلاص خود و شما
 فریاد می زنم.
 فریاد می زنم!



ای عقل ز جهل و نادانی ما
 در هم شده خلقی ز پریشانی ما
 بت در بغل و به سجده پریشانی ما
 کافر زده خنده بر مسلمانی ما

خدمات حکومت ملی آذربایجان به زحمتکشان ایران!

در گفتگو با پیشکسوت کارگری رفیق خوب، آقای ابراهیم شیخی نوشته زیر را در مورد حکومت ملی آذربایجان نوشتم و تلاش کردم با استناد به اسناد بی طرف به این اتفاق مهم تاریخی پرداخته شود. برای اولین بار در تاریخ ایران یک کارگر در حکومت ملی آذربایجان به وزارت انتخاب شد. در کنگره خلق، محمد بی‌ریا متصدی چرخ و فلک شهرداری در باغ گلستان و رییس اتحادیه کارگران تبریز و شاعر به وزارت فرهنگ حکومت ملی انتخاب شد. (۱ ص ۵۴) که در آن زمان یک حرکت بسیار مترقی بود و حتا تاکنون هم یک کارگر بعد از این همه سال به وزارت نرسیده است و نشانگر این موضوع است که حکومت ملی آذربایجان چه میزان به کارگران اهمیت می داد.

رییس حکومت ملی، سید جعفر پیشه وری شخصیت به نام جنبش کارگری آموزگار و نویسنده و روزنامه نگار، مدت ۱۲ سال را در زندان رضاخان گذراند. او به همراه سید محمد دهگان رییس اتحادیه های کارگری تهران (بیش از ۱۰۰ اتحادیه) دست به انتشار روزنامه کارگری در تاریخ ۹ دیماه ۱۳۰۰ زد که در بالای صفحه شعار «رنجبر روی زمین اتحاد» نوشته شده بود. (۲ ص ۲۲۸) که در زمان توقیف در سال ۱۳۰۱ تیراژ روزنامه حقیقت ۴۰۰۰ برگ تک فروشی بود. (۳ ص ۱۶)

پرچمی که فرقه دمکرات آذربایجان به اهتزاز در آورده بود حق تعیین سرنوشت ملل، برابری خلق ها، آزادی عقیده و بیان، امنیت و عدالت اجتماعی بود. (۴ ص ۷۸) به همین منظور در آذر ۱۳۲۴ تشکیل وزارت کار برای اولین بار در تاریخ ایران، در حکومت ملی آذربایجان صورت گرفت. قانون کار حکومت ملی آذربایجان اولین قانون کار در خاورمیانه بود. در قانون کار حکومت ملی آذربایجان: ۸ ساعت کار در روز، کارگران بیسواد جهت سوادآموزی نیم ساعت زودتر کار خود را تعطیل کنند، اضافه کاری با ۵۰٪ اضافه دستمزد تعیین شد. مرخصی سالانه پانزده تا یک ماه مقرر شد، پرداخت دستمزد روزهای تعطیل یا روزهایی که به دستور کارخانه دار کار متوقف می شود و یا هرگاه کارخانه به سبب اوضاعی که از کنترل کارخانه دار بیرون است تعطیل شود، کارگران نصف دستمزد را دریافت خواهند کرد. وزارت کار حکومت ملی آذربایجان ششماه زودتر از وزارت کار دولت قوام السلطنه تاسیس گردید و اداره آن را خود پیشه وری به عهده گرفته بود. (۳ ص ۱۹۷) کارگران بیسواد اجازه داشتند نیم ساعت زودتر کار خود را ترک کنند، تا در کلاسهای مبارزه با بیسوادی که روزانه یکساعت تشکیل می شد حضور یابند. (۳ ص ۱۹۶) که تا سال ۱۳۵۰ نادیده انگاشته شد.

اما این فقط کارگران نبودند که مورد توجه حکومت ملی آذربایجان واقع شدند در ۱۳۲۴/۸/۱۷ حکومت ملی آذربایجان در نامه سرگشاده ای نسبت به جنایات فنودال ها و چکمه پوشان محمدرضا از قبیل غارت، آتش زدن خرمن، سنگسار کردن آزادیخواهان، حلال دانستن زنان افراد ضد فنودال

و بریدن لب و زبان، پاره کردن شکم، داغ گذاشتن، تجاوز به ناموس، بریدن زلف زنان... اعتراض خود را برای نمایندگان دولت در آذربایجان ارسال نمود. (۴ ص ۷۸)

حکومت ملی با تحکیم قدرت خود، اصلاحات وسیعی را آغاز کرد. نخستین اصلاحات ارضی کشور را انجام داد، املاک دولتی را بین دهقانان تقسیم کرد، املاک خصوصی اربابان مخالف خود را مصادره کرد و شش هفتم محصول را به زارعان بخشید. برای اولین بار در تاریخ ایران به زنان حق رای داد، مجازات اعدام را لغو کرد، شوراهای منتخب محلی را به نظارت بر حکام نواحی، شهرداران و ادارات حکومتی گماشت. قانون کار جامعی تصویب کرد، کوشید با تاسیس خواروبار فروشی های دولتی قیمت ها را تثبیت کند، بار مالیات را از روی مواد غذایی و سایر مایحتاج ضروری برداشت و به سودهای تجارتي، ثروت مستغلاتی، درآمدهای حرفه ای و اجناس تجملی اختصاص داد. با آسفالت کردن خیابانهای اصلی، تاسیس درمانگاهها و کلاسهای سوادآموزی، تاسیس دانشگاه، ایستگاه رادیو، چاپخانه ها و نامگذاری خیابانها به نام ستارخان و باقرخان و سایر قهرمانان انقلاب مشروطیت چهره تبریز را عوض کرد. حتا مخالفان حکومت ملی نیز پذیرفتند که در عرض یکسال بیش از بیست سال حکومت رضاشاه کار انجام گرفته است. کنسول انگلیس در تبریز گزارش داد که: «اصلاحات ارضی دوستان زیادی بوجود آورده. پروژه های شغلی، بیکاری را کاهش داد، اصلاحات اداری کارایی بیشتری ایجاد کرد و تغییرات بطور کلی با حمایت عمومی چشمگیری مواجه شد» (۵ ص ۳۷۴)

برای آنکه بدانیم این نهضت چه میزان در میان مردم آذربایجان محبوبیت داشت به مصاحبه

سرتیپ علی اکبر درخشانی فرمانده پادگان تبریز با نشریه شهیاز شماره ۳۱ به تاریخ ۱۳۲۴/۱۱/۲ نگاهی می اندازیم:

«سوال: در تهران می گویند یک عده مهاجر که حدود ۲۰۰ نفر هستند در آذربایجان دست به اقداماتی زده اند آیا شما هم عقیده دارید نهضتی وجود ندارد؟

پاسخ: اگر نهضتی نبود این جریان پیش نمی آمد و بعد با خنده اضافه کرد، تا دیروز روزنامه های دست راستی عکس مرا می انداختند ولی از این پس به من فحش خواهند داد و از اینکه وجود نهضتی را تصدیق کردم لجن مالی ام خواهند کرد اما من از بعضی از روزنامه های دست چپ متشکرم که حتا آن روزها که من مقاومت می کردم به من بد نگفتند» (۱ ص ۳۸)

حکومت ملی آذربایجان یک حکومت قانونی بود تا جایی که در اردیبهشت ۱۳۲۵ دیدار هیاتی از حکومت ملی آذربایجان با قوام نخست وزیر انجام و خواسته هایی چون: «مردم آذربایجان خواهان رسمی شدن زبان ترکی در مدرسه ها، دستگاههای دولتی و مطبوعات بودند. همچنین درآمدهای

مالیاتی در خود آذربایجان به مصرف برسد» در بودجه سال ۱۳۲۳ مبلغی که برای تهران در نظر گرفته شده بود ۲۰ برابر مبلغ تعیین شده برای آذربایجان بود در حالی که آذربایجان ۳ برابر تهران جمعیت داشت. قوام در دیدار با پیشه وری در تهران موارد بالا را پذیرفت. (۸ ص ۴۱۰)

برای آنکه دید بهتری به آن روزگار پیدا کنیم مطلبی را که در ۱۳۲۵/۷/۸ در روزنامه جبهه، ارگان حزب ایران از احزاب ملی همسو با دکتر محمد مصدق و جبهه ملی یاد آوری می کنیم. در فرازی می نویسد: «می دانستیم که آذربایجان قصد ندارد از ایران جدا شود و جنبش آذربایجان جزء لاینفکی از جنبش مترقی در ایران است. خوش بینی ما اکنون تحقق یافته است. حکومت آذربایجان نه تنها سازهی درست را پذیرفته، بلکه مدارس، جاده ها، درمانگاهها و یک دانشگاه نیز ساخته است. مالیات مصرف کنندگان را کاهش داده، بین دهقانان زمین تقسیم کرده و برای بالابردن سطح زندگی بسیار کوشیده است» (۵ ص ۲۰۸)

اما بهترین سند در خصوص حکومت ملی آذربایجان را از زبان ویلیام داگلاس قاضی عالی مقام آمریکایی در کتاب سرزمین عجیب با مردمی مهربان بشنویم که اصلاحات انجام یافته در آذربایجان در زمان حکومت ملی را چنین شرح می دهد: «۱- تقسیم اراضی و املاک مالکین فراری و تصویب قانونی جهت تقسیم محصول زمین به نفع دهقانان ۲- از بین بردن رشوه. پیشه وری رشوه دادن به مامورین دولت را خیانت به حقوق عمومی اعلام کرد و به مرتکبین، مجازات سختی قابل شد. این قانون اثر برق آسایی داشت و بازرگانان به من می گفتند که اگر شبها مغازه هایشان بازمی ماند، اموالشان تامین داشت و چیزی به سرقت نمی رفت. اهالی اظهار می داشتند که برای اولین بار با اطمینان می توانستند شب یا روز ماشین هایشان را در کنار خیابان یا پس کوچه بگذارند، بدون اینکه کسی جرئت دزدیدن چرخ و چراغ و آینه یا سایر اثاث آن را داشته باشد، حتی اگر در ماشین باز بماند. ۳- قیمت اجناس مورد نیاز عمومی بطور جدی کنترل می شد و احتکار کنندگان سخت مجازات می شدند. قیمت کالاهای مورد نیاز عموم ۴۰٪ پایین آمده بود. ۴- کلینیک های بهداشتی سیاری تاسیس شده بود که از تبریز به دهات اطراف می رفت. ۵- قانون حداقل بیکاری و حداکثر ساعت کار تصویب و بین کارفرمایان و کارگران قراردادهای دسته جمعی بسته شد. ۶- برنامه عمومی کار اجرا و قسمت اعظم خیابانها و کوچه ها آسفالت و سنگفرش شد. ۷- برنامه تعلیمات عمومی اجرا و در دهات مدارس باز شد و دانشگاه تبریز با دو دانشکده ی طب و ادبیات تاسیس گردید. (۹ ص ۱۵۲)

حکومت ملی آذربایجان طی ۱۱ ماه توانست با تاسیس ۳۵ بیمارستان و درمانگاه، ۳۰ تخت برای بیماران پوستی (جدام)، ۱۰۰ تخت برای بیماری های مسری، ۳۰ تخت برای بیماران اعصاب و روان و تشکیل کنفرانس به زبان ترکی از رادیو برای ریشه کن کردن بیماریهایی که ریشه در فقر و تنگدستی داشت، دست به اقدامات تحسین برانگیزی بزند. «روزنامه آذربایجان شماره ۶ کاوه غفار» (۴ ص ۱۷۳) ارزان کردن ارزاق عمومی و مایحتاج روزمره مردم که در حکومت ۱۱ ماهه

یک امر ناممکن بود، تحقق یافت. گوشت از کیلویی ۲۵ ریال به ۱۸ ریال، قند از ۸۰ ریال به ۵۰ ریال کاهش یافت. مبارزه با دله دزدی و لات بازی موجب شد بازار سیاه متداول شده از جمله در عرصه بلیط راه آهن از بین برود. (ص ۱۷۳)

کارهایی که در هیچ کجای دنیا هنوز که هنوز است اتفاق نیفتاده است. اما این حکومت ملی اگر قرار بود آوازه خدماتش به سایر نقاط ایران برسد دیگر چپاول گران نمی توانستند به زندگی انگلی خود ادامه بدهند و اجانب نمی توانستند نفت و سایر ثروت ایران را به یغما ببرند. لذا دست به کار شده و در ۲۱ آذرماه حمله نظامی به جنبش خلق آذربایجان و حکومت ملی آغاز شد. «شبی که شاه فرمان حرکت ارتش به آذربایجان را صادر کرد من در دربار شاه مهمان بودم و جرج آلن سفیر آمریکا نیز حضور داشت.» خاطرات ابوالحسن ابتهج ص ۲۳۲»

پس از یورش به آذربایجان چهره واقعی مزدوران و حکومت پهلوی نمایان شد، جنایاتی که تا پایان حکومت حکومت محمدرضا پهلوی ادامه یافت.

پس از سخنرانی سرهنگ هاشمی فرمانده مزدور نیروی مهاجم، غارت خانه ها، کشتن هر رهگذری که با او باش هم صدایی نمی کرد، قتل کودکان و استفاده از جسد آنها به جای توپ فوتبال آغاز شد. ژنرال ها یک دختر ۱۸ ساله را لخت و عریان در خیابان می گرداندند و هنگامی که دختر بیچاره برای حفظ ناموس و از فرط وحشت و خستگی به زمین نشست چاقو کشان او را از موهایش گرفته بلند می کردند و آن قدر می زدند تا دوباره به راه بیافتند. (۴ ص ۱۱۷) - اولین قربانی یورش مزدوران زنجاتی، شیخ محمد آل اسحاق روحانی کهنسال زنجاتی بود. که بعد از حمله و غارت همه موجودی خانه اش با چاقو سوراخ سوراخ کردند و با پاره کردن شکمش جنازه اش را بر روی زمین کشیدند. تنها جرم این پیرمرد اعتراض به ظلم و ستم فنودال هایی چون ذوالفقاری ها بود. (۴ ص ۱۱۷)

یونس لیثی دریلو در سایت رادیو زمانه طی تحقیقی تعداد کشته شدگان حکومت ملی آذربایجان را چنین گزارش کرده است: «اسناد سفارت آمریکا تعداد کشته ها را که در فاصله ورود ارتش به تبریز ۴۲۱ نفر اعلام کرده اند. منابع دولت ایران از ۲۰ نفر اعدام و روزنامه های آن زمان از عددی در حدود ۲۰۰ نفر کشته یاد می کنند. اما تعداد کشته شده ها و اعدامی ها بین ۲ هزار تا ۳۰ هزار نفر در منابع مختلف نوسان دارد. جمیل حسنلی تعداد کشته شدگان را ۳۰۲۲ نفر، مسعود بهنود ۷ هزار نفر، فرقه دموکرات آذربایجان در باکو افزون بر ۱۰ هزار نفر، خلیل ملکی در محاکمه اش ۱۵ هزار نفر، سعید منیری در تهران حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر، یک روزنامه داخل کشور و یک روزنامه فرانسوی ۲۰ هزار نفر، رحیم نامور و میرقاسم چشم آذر ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر، ماریا ماچاک - خبرنگار کمونیست ایتالیایی - ۲۵ هزار نفر نوشته اند. در ذیل به چندین آمار مرتبط اشاره می شود تا هر کدام از ادعاهای این نوشته ها راستی آزمایی گردند.

-آمار جمعیتی آذربایجان در سال ۱۳۲۵ براساس منابع ترکیه، تخمیناً در استانهای آذربایجان شرقی (شامل استان اردبیل فعلی) و آذربایجان غربی بین ۳ تا ۴ میلیون نفر زندگی می‌کردند. آمار اعضای فرقه دموکرات آذربایجان به نوشته روزنامه آذربایجان - ارگان رسمی حکومت ملی تعداد اعضاء حزب در روز نخست مهر ۱۳۲۴ و پیش از تشکیل کنگره نزدیک به نود و چهار هزار نفر بوده است. به احتمال زیاد، فرقه دموکرات آذربایجان نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر عضو را نه در پاییز ۱۳۲۴ بلکه در ابتدای پاییز ۱۳۲۵ داشته است. (۹) مازیار گیلانی نژاد ۳۰ آذر ۱۴۰۳

منابع:

- ۱- ۲۱ آذر ۱۳۲۴ *نوشته سرتیپ علی اکبر درخشانی چاپ اول بهار ۱۳۸۵ ناشر شرکت انتشارات شیرین چاپخانه جمالی
- ۲-پیدایش حزب کمونیست ایران* نوشته تقی شاهین چاپ تهران ۱۳۲۶
- ۳-تاریخچه نهضت کارگری در ایران* شکراله مانی
- ۴- لحظاتی از زندگی صفر قهرمانیان* نوشته بهروز حقی چاپ کلن آلمان چاپخانه مرتضوی چاپ اول ۲۱ آذر ۱۳۷۲ نشر آذربایجان
- ۵-ایران بین ۲ انقلاب* نوشته یرواند آبراهامیان
- ۶-اتحادیه های کارگری و خودکامگی* نوشته حبیب لاجوردی
- ۷- تاریخ تحولات اجتماعی ایران* نوشته جان فوران ترجمه احمد تدین چاپ هفتم ۱۳۸۶ انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا
- ۸-گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران* رسول مهربان
- ۹- سایت رادیو زمانه* یونس لیثی دریلو

«اگر می خواهید ملتی را نابود کنید کم هزینه ترین، راحت ترین و پنهان ترین راه تورم است. یک تورم بلند مدت ایجاد کنید خواهید دید چگونه آرام آرام بنیان های اقتصادی و اخلاقی ملت نابود می شود»

ادبیات کارگری - ۶

محمدتقی بهار؛ ستاینده آزادی و آزادگی، و اقتدار ایران

بارزترین وجه در شاعری محمدتقی بهار ستایش از آزادی و دفاع از اقتدار ایران است. با وجود این به خواست های توده مردم و عدالت اجتماعی هم توجه نشان داده است.

محمدتقی بهار (ملک الشعراء) در سال ۱۲۶۵ شمسی در شهر مشهد دیده به جهان گشود. وی از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. به ستایش بزرگان دین و مذهب روی آورد و لقب ملک الشعرائی آستان امام رضاع را گرفت. او با طلیعه انقلاب مشروطیت، به آزادیخواهان پیوست. پس از اینکه به دستور محمدعلی میرزا مجلس اول را به توپ بستند (۱۲۸۶) و آزادیخواهان تحت پیگرد و کشتار قرار گرفتند، وی از پاننشست و اشعاری علیه استبداد سرود. از جمله شعری با نام "کار ایران با خداست" در قالب مستزاد:

"با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست
کار ایران با خداست

مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب ها جداست
کار ایران با خداست

شاه مست و شیخ مست و شحنه مست و میر مست
مملکت رفته ز دست

هر دم از دستانِ مستان، فتنه و غوغا به پاست
کار ایران با خداست...

پادشه خود را مسلمان خواند و سازد تباه
خونِ جمعی بیگناه

ای مسلمانان! در اسلام این ستم ها کی رواست؟
کار ایران با خداست"

(بهار، دیوان اشعار: ۲۵-۱۲۴)

در آن زمان شعبه حزب دمکرات ایران در خراسان تشکیل شد و بهار به عضویت آن درآمد. از سال ۱۲۸۸ به سبب همکاری با انقلابیونی چون حیدر عمواغلی در تربیت سیاسی و اجتماعی بهار تحول نمایان شد و روزنامه نوبهار را که ناشر اندیشه های آن حزب بود تأسیس کرد.

پس از شکست دولت محمدعلی میرزا و استقرار مشروطیت، حکومت‌های بریتانیا و روسیه تزاری تاب نیاوردند؛ با هر بهانه و وسیله ای علیه آن به مقابله برخاستند. درگیری انقلابیون با استعمار به رویه جدیدی وارد گشت، مبارزه و ایثار برای حفظ میهن و آزادی آغاز شد "تاریخ زندگانی آزادی خواهان قدیم خاصه دموکراتها پر است از این قبیل مخاطرات و فداکاری ها و از جان گذشتگی ها و تنها چیزی که ایران را تا حدی نجات داد، همین پاکی نیت و صفای عقیدت و ایمان کامل به حریت و استقلال بود." (بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: دیباچه، ه. ۵)

در آن هنگامه، اشعاری از بهار با مضمون وطن خواهی در دست است که راجع به مخاطراتی که ایران را تهدید می کردند سروده است؛ مانند مسقط "وطن در خطر است" که در آن اتحاد میان مردم را واجب دانسته:

"بذل جان در ره ناموس وطن چیزی نیست،

بی وطن خانه و مُلک و سر و تن چیزی نیست...

بی وطن جان و دل و روح و بدن در خطر است،

ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است" (بهار، دیوان اشعار: ۶۸-۱۶۶)

اشعار وطنیه بهار به مذاق استعمارگران خوش نمی آمد. بهار را همراه با بقیه سران حزب دمکرات دستگیر و به تهران فرستادند. (۱۲۹۰). پس از یکسال در به دری باز به مشهد برگشت و انتشار روزنامه نوبهار را از سر گرفت.

با آغاز جنگ جهانی اول (۱۲۹۳)، بهار به دستور نمایندگان روسیه و بریتانیا دستگیر و روزنامه نوبهار توقیف شد.

در سال ۱۲۹۳ از طرف مردم به نمایندگی مجلس سوم برگزیده شد. ناگزیر او را آزاد کردند و او به تهران عزیمت کرد. از این پس بهار ساکن تهران شد. هرچند تا پایان عمر شیفته و واله خراسان و مردمش باقی ماند. یکی از اشعار درخشان و برجسته بهار، قصیده‌های است با نام "دماوندیه دوم"

"-ای دیو سپید پای در بند،
ای گنبد گیتی ای دماوند... !

از آتش آه خلقِ مظلوم،
و از شعله کیفر خداوند،

ابری بفرست بر سرِ ری،
بارانش ز هول و بیم و آفند... .

بفکن ز پی این اساسِ تزویر،
بگسل ز هم این نژاد و پیوند.

بر کن ز بن این بنا که باید،
از ریشه بنای ظلم بر کند.

زین بی خردان سُفله بستان،
داد دلِ مردم خردمند."

(همان: ۸۸-۲۸۶). [آفند یعنی آتش جنگ و نبرد، جدالِ پر هیب؛ در این سروده، تهران را جای ظالمان می نامد و مکانِ دسیسه علیه خلقِ مظلوم.

محمدتقی بهار انتشار روزنامه نوبهار را این بار در تهران ادامه داد و علیه روسیه و بریتانیا مقالاتی نوشت. به همین سبب در ۱۲۹۴ دستگیر و به بنجورد تبعید شد. پس از شش ماه آزاد شد. به تهران بازگشت و به عضویت کمیته مرکزی حزب دمکرات ایران برگزیده شد (۱۲۹۵) و مجدداً روزنامه نوبهار را منتشر کرد.

در این موقع در روسیه انقلاب شد (۱۲۹۶) و حکومت نیکلای دوم سقوط کرد. بهار که مانند هر وطن دوستی از نابکاری‌ها و جنایات حکومت تزاری در ایران آزرده بود رخداد انقلاب بلشویکی (توده‌ای) در روسیه را گرمی داشت و ستایش کرد.

پس از انقلاب در روسیه و سرنگونی تزار، حکومت استعمارگر بریتانیا در صدد برآمد با حرب‌های جدید، امیال مردمی و انقلابی در ایران را سرکوب کند، اجازه ندهد از حکومت سوسیالیستی شوروی الگو بگیرند. بنابراین با استفاده از مزدوران داخلی کودتایی را با دستگیری قزاقان ترتیب داد. با فرمانده تیپ قزاق قزوین به نام رضا سوادکوهی که شخصی جاه طلب بود تماس گرفتند و با خدعه و ادعاهای ایجاد نظم، اجرای قانون و درخواستهای ملی‌گرایانه کذب و واهی تهران را تصرف کردند.

با کودتا در اسفند ۱۲۹۹، بهار نیز زندانی شد. پس از آزادی به عضویت مجلس شورا برگزیده شد و با حسن مدرس، سلیمان میرزا اسکندری و دیگر آزادی خواهان به همکاری پرداخت. اینها با نام گروه اقلیت مجلس، علیه گسترش استبداد رضاخان که اینک سردار سپه و بعد نخست وزیر شد مبارزه می‌کردند.

وی که می‌دید رضاخان منویات استبدادی خود را به نام مصلحت کشور با زور و شلاق و توهین به آزادی خواهان به پیش می‌برد، چنان که قبل تر در قزاق خانه با زور حل و فصل می‌کرده است، قصیده "سرنیزه" را سرود (۱۳۰۱)؛ و این قبیل رفتارها را بی اثر خواند؛ زیرا مانند کسی است که بر نوک سرنیزه می‌تشیند:

"با خرد و راستی و تیغ و تیر،
پشت بد اندیش توانی شکست.

آنکه به سرنیزه نمود اکتفا،
با کف خود دیده توفیق بست ...

تکیه به سرنیزه توان داد، لیک، بر سر سرنیزه نباید نشست" (بهار،

نسخه سپانلو: ۹-۹۸). رضاخان را ریشخند کرده که روی سرنیزه نشسته ای.

در آبان ۱۳۰۲ بالاخره کار روزنامه نگاری و انتشار نوبهار را کنار گذارد.

از اواخر سال ۱۳۰۲ کارزار سیاسی رضاخان برای قبضه کامل امور حکومت با نام برقراری جمهوری در ایران شدت گرفت. بهار، میرزاده عشقی و حسن مدرس از مخالفان سرسخت این توطئه شدند. برای امثال بهار روشن بود که چون رضاخان می خواهد همه ارکان کشور را در اختیار بگیرد؛ ساز جمهوری می نوازد تا هدف نهایی خود را پنهان کند.

بهار علیه جمهوری رضاخانی، غزلی را در قالب مسمط موشح ریخت تا معنای اصلی را پنهان کند. در واقع شعری ساخت با دو معنای متضاد. ابیاتی از اصل غزل چنین است:

"جمهوری سردار سپه مایه ننگ است،

این صحبت اصلاح وطن نیست که جنگ است.

از کار قشون حال خوش از ما چه توقع،

کاین فرقه برین گله شبان نیست پلنگ است" (بهار، دیوان اشعار: ۸-۳۰۷)

وقتی رضاخان مخالفت جدی و جانانه آزادگان را دید به ضرب و شتم و قتل مخالفان روی آورد. به جان مدرس و بهار سوءقصد کردند که این دو جان به در بردند. سپس آدمکشانی را فرستاد میرزاده عشقی را به شهادت رساندند.

با هدایت و نقشه استعمارگران و مزدوران شان، رضاخان نغمه ای دیگر ساز کرد و طالب جایگاه شاهنشاهی ایران شد. با این دسیسه در آذر سال ۱۳۰۴

مجلس مؤسسان به راه انداخت. سلطنت قاجار را خلع کردند و حکومت او با نام پهلوی جایگزین شد. با این ترتیب، جاده برای تاخت و تاز استبدادی رضا پهلوی فراهم شد.

به تدریج عرصه چنان تنگ شد که بهار از سال ۱۳۰۶ فعالیت های سیاسی را کنار گذاشت. با وجود این، استبداد پهلوی دست از وی باز نمی داشت و همواره زیر نظرش داشتند. عاقبت در سال ۱۳۰۸ دستگیر و زندانی شد.

بهار پس از آزادی به تصحیح کتب کهن فارسی روی آورد و چندین کتاب درسی نگاشت. نظر به اوضاع نامساعد مالی، بر آن شد دیوان اشعار خود را منتشر کند (۱۳۱۱) بلکه از تنگدستی اندکی بیرون شود، اما پلیس رضاخانی مانع شد و نسخه های آن را توقیف و معدوم کردند.

در شب عید سال ۱۳۱۱ مجدداً دستگیر و به زندان افتاد. سپس در شهریور ۱۳۱۲ به اصفهان تبعید شد که تا ۱۳۱۳ به طول انجامید.

با پادرمیانی محمدعلی فروغی آزاد شد و به تدریس تاریخ تحول نثر پارسی پرداخت که نتیجه آن کتاب سه جلدی "سبک شناسی نثر پارسی" گردید. علاوه بر این در فاصله سالهای ۱۳۱۳ به ۱۳۲۱ آثاری گرانقدر خلق کرد مانند: برگردان سه کتاب از زبان پهلوی به فارسی، تصحیح کتاب تاریخ بلعمی، تحقیق در خصوص شاهنامه حکیم فردوسی، نگارش زندگی مانی، تصحیح کتاب تاریخ سیستان، تصحیح کتاب مجمل التواریخ و القصص، مشارکت در تألیف کتاب دستور زبان فارسی (پنج استاد) و نگارش کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران که پس از سقوط رضا پهلوی در ۱۳۲۰ نوشت و انتشار داد.

با برکناری رضا پهلوی از سلطنت، برای چندی امکان فعالیت های سیاسی و اجتماعی ممکن شد. بهار نیز فرصت را غنیمت شمرد و در کسوت ادیب و شاعر به فعالیت روی آورد.

طی سالهای ۱۳۲۷ به این سوی، سرکوب آزادی خواهان توسط حکومت آغاز شد. محمدتقی بهار در جایگاه انسانی شریف، آزاده و وطن خواه به میدان آمد. ریاست "جمعیت ایرانی هواداران صلح" را به عهده گرفت (۱۳۲۸). و خطاب به جوانان ایران و دانشجویان پیام هایی منتشر کرد. این جمعیت با همراهی تشکیلات مخفی حزب توده ایران، وظایف میهن دوستانه، آزادیخواهانه و انقلابی را رهبری و به پیش می بردند. همچنین آخرین قصیده خود را در ستایش از صلح سرود (۱۳۲۹) با نام "جغد جنگ"

"-فغان ز جغد جنگ و مُرغوی او،
که تا ابد بریده باد نای او... .
چه باشد از بلای جنگ صعب تر،
که کس امان نیابد از بلای او،
شراب او ز خون مردِ رنجبر،
و ز استخوانِ کارگرِ غذای او... .
به خاک مشرق از چه رو زنند ره،
جهان خوارانِ غرب و اولیای او... .
زهی کبوتر سپید آشتی،
که دل برد سرود جانفزای او"
(بهار، نسخه سپانلو: ۵۰- ۳۴۴) یادآوری می کند که جنگ افروزان، جهان خواران غرب هستند و از خون رنجبران تغذیه می کنند زیرا که بقای نظام سرمایه داری در ایجاد جنگ است.

عواطف انسانی و روح آزادگی و عدالت خواهی در بهار موجب می شد با تضاد طبقاتی، عناد داشته باشد آن را مفسده اجتماعی بخواند. نظام سرمایه داری را دشمن مرام انسانی و خوی شریف آدمی به شمار آورد. در مثنوی "آمدن سرمایه داری و رفتن دین" سرمایه دار را بی وجدان و بی دین می خواند:

"-تا که سرمایه یافت آزادی،
شد تجارت اساس آبادی... .
سیم و سرمایه شد به عالم چیر،
گشت سرمایه دار گُرد و دلیر... .

هرکه زر داشت شد شریف و عزیز، و آنکه بی چیز بود شد ناچیز...
 بر ضعیفان دراز دستی از وست، ماده و ماده پرستی از وست.
 مردمی رخت بست و هم دردی، غیرت و عفت و جوان مردی...
 کارفرما ز پرخوری رنجور، کارگر شد گرسنه جانب‌گور...
 کارگر شد سپاه صاحب کار، سپهی لخت و خسته و بیمار.
 لاجرم متحد شوند همه، کار را مستعد شوند همه.

چون فقیران شوند با هم یار، مال داران شوند بی کس و کار"
 (بهار، دیوان اشعار: ۲۱-۷۱۹) بهار معتقد است که سرمایه دار بر خوی و
 خصلت مردمی دراز دستی کرده، چاره کار برای از بین بردن زالوی سرمایه
 داری را متحد شدن کارگران می داند.

همچنین در غزل زیر انقلاب سرخ را با لاله خونین، عشق مدفون شده و ... به
 هم تشبیه می کند و در نهایت به نقشی از خون دل رنجبر گره می زند:

"-لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون،

خاک مستوره قلب بشر آورده برون .

یا به تقلید شهیدان ره آزادی،

طوطی سبز قبا سرخ پر آورده برون.

یا که بر لوح وطن خامه خون بار بهار،

نقشی از خون دل رنجبر آورده برون" (همان: ۴۷-۱۰۴۶)

بهار از پایه گذاران تصنیف های ملی و انقلابی است؛ به خصوص درگیر و دار انقلاب مشروطیت از این گونه ادبی و هنری استفاده کرد در برانگیختن شور حماسی و مبارزه با بیدادگران. تصنیف را در خدمت مضامین وطن خواهی، عشق به آزادی، و تشویق به ترقی و تجدد قرار داد.

تکه هایی از تصنیف شهیر "مرغ سحر" که آمیزهای است از طلب آزادی با مبارزه علیه ستم و دفاع از زحمتکشان:

مرغ سحر ناله سر کن
داغ مرا تازه تر کن.

ز آه شرر بار این قفس را
برشکن و زیر و زبر کن.

بلبل پر بسته ز کنج قفس در آ
نغمه آزادی نوع بشر سرا.

و ز نفسی عرصه این خاک توده را
پر شرر کن.

ظلم ظالم، جور صیاد
آشيانم داده بر باد.

ای خدا، ای فلک، ای طبیعت
شام تاریک ما را سحر کن...

عمر حقیقت به سر شد
عهد و وفا بی سپر شد.

از پی دزدی، وطن و دین بهانه شد
دیده تر شد.

ظلم مالک، جور ارباب
زارع از غم گشته بی تاب،

ساغر اغنیا پر می ناب
جام ما پر ز خون جگر شد. (همان: ۱۱۶۶)

بهار در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ به علت بیماری سل در تهران درگذشت و در آرامستان ظهیرالدوله شمیران به خاک سپرده شد.

مآخذ:

بهار، محمدتقی. دیوان اشعار، بر اساس نسخه سال ۱۳۴۴.

تهران. مؤسسه انتشارات نگاه. چاپ ششم. ۱۳۹۹.

سپانلو، محمدعلی. شهر شعر بهار. تهران. نشر علم. چاپ دوم. ۱۳۷۸.

بهار، محمدتقی. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، جلد اول. تهران. انتشارات امیر کبیر. چاپ نهم. ۱۳۹۲.

پرفورمنس ریتم صفر!

در سال ۱۹۷۴، مارینا آبراموویچ یک اجرای هنری به مفهوم مدرن داشت. او اعلام کرده بود که در طی اجرای ۶ ساعته، مانند یک شی بی‌حرکت و بدون هرگونه واکنش خواهد بود. شرکت‌کنندگان اجازه داشتند هر کاری می‌خواهند با او بکنند و حتی از ۷۲ وسیله‌ای که آبراموویچ روی میز استودیو گذاشته بود هم استفاده نمایند. این اجرا «ریتم صفر» نام داشت. روی میز یادداشت زیر به چشم می‌خورد: راهکار: ۷۲ وسیله روی میز است که هر طور دوست داشتید می‌توانید آنها را روی من بکار ببرید. تعهد: من برای مدت ۶ ساعت صرفاً یک ابزار خواهم بود و مسئولیت هر نوع عواقبی را برعهده می‌گیرم. ۶ ساعت از ۸ شب تا ۲ صبح می‌باشد. روی میز هم ادوات لذت مانند پُر، دستمال‌های ابریشمی، گُل، آب و ... بود و هم ابزار شکنجه مانند: چاقو، تیغ، زنجیر، سیم... و حتی یک اسلحه پُر!

◆ در ابتدای کار همه رودربایستی داشتند. یک نفر نزدیک شد و او را با گُلها آراست. یک نفر دیگر او را با سیم به یک شی دیگر بست. دیگری قلقلکش داد... کمی بعد او را بلند کردند و جایش را تغییر دادند! کم‌کم زنجیرها را بکار گرفتند. به او آب پاشیدند و وقتی دیدند واکنشی نشان نمی‌دهد رفتارها حالت تهاجمی‌تر گرفت.

◆ منتقد هنری، توماس مک‌اویلی، که در این پرفورمنس شرکت کرده بود به خاطر می‌آورد که چگونه رفتار مردم رفته رفته، خشن و خشن تر شد. «اولش ملایم بود، یک نفر او را چرخاند، یکی دیگر بازوهایش را بالا برد... دیگری به نقاط خصوصی بدنش دست زد. مردی جلو آمد و با تیغ ریش‌تراشی که برداشته بود گردن او را مجروح کرد و مردی دیگر خارهای گل را روی شکم آبراموویچ کشید. یک نفر تفنگ را به دستش داد و دستش را تا بالای گیجگاهش برد. یک نفر دیگر آمد تفنگ را گرفت و از پنجره به بیرون پرت کرد.

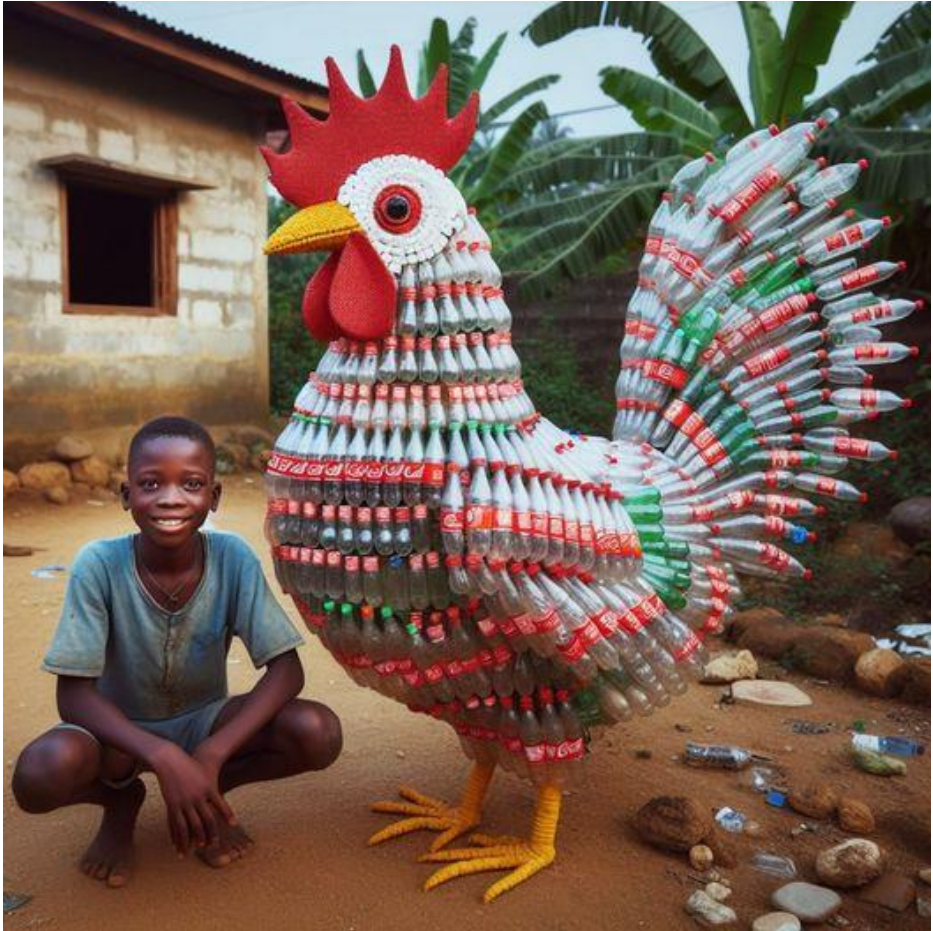
◆ با این پرفورمنس آبراموویچ نشان داد که اگر شرایط برای افرادی که به خشونت گرایش دارند مهیا باشد، به چه راحتی و با چه سرعتی خشونت را اعمال می‌کنند. بعد از پایان ۶ ساعت پرفورمنس، آبراموویچ در سالن استودیو به راه افتاد و از مقابل دستیاران و بازدید کنندگان گذشت. همه از نگاه کردن به صورت او اجتناب می‌کردند. بازدید کنندگان هم آنقدر عادی رفتار می‌کردند که انگار اصلن از خشونتی که دمی پیش به خرج داده بودند و اینکه چگونه از آزار و حمله به او لذت برده بودند چیزی در خاطرشان نمانده بود.

◆ این اثر نکته‌ای دهشتناک را در باب وجود بشر آشکار می‌کند. به وضوح به ما نشان می‌دهد که اگر شرایط مناسب باشد، یک انسان با چه سرعت و به چه آسانی می‌تواند به هم‌نوع خود آسیب برساند و به چه سادگی می‌شود از شخصی که از خود دفاع نمی‌کند یا نمی‌جنگد بهره‌کشی کرد و این که اگر بسترش فراهم باشد اکثریت افراد به ظاهر «نرمال» جامعه می‌توانند در چشم برهم زدن به موجودی حقیقتن وحشی و خشن تبدیل شوند.

◆ مارینا بعدها اعلام کرد: وقتی آنشب به هتل خود برگشته بود، دید که یک دسته از موهایش در عرض چند ساعت سفید شده بود. خودداری و عدم واکنش او چنین هزینه‌ای به او تحمیل کرده بود.

مارینا آبراموویچ و پرفورمنس ریتم صفر به ما یاد می‌دهد که وقتی منفعل باشید، هم خودتان نابود می‌شوید و هم بخش نابودگر دیگران را بیدار می‌کنید.

وقتی منفعل باشید آدم‌ها وحشی می‌شوند، زورگو می‌شوند، اخلاق و شأن انسانی شما را دیگر هر کسی محترم نمی‌شمارد و امیال و عقده و غده‌هایی که درونش وجود دارد مجال ابراز وجود پیدا کرده و خودنمایی می‌کند!!! در هیچ موردی نباید منفعل بود.



زباله زمین زیبای ما را تهدید می کند.
باید با درست مصرف کردن زباله کمتری تولید کرد،
و می توان این چنین زیبایی آفرید.



همه چیز در زمستان زیباست؛
به جز «لرزه‌ی» فقرا و
بی‌نویان!

زمستان پوستین افزود بر تن کدخدایان را
ولیکن پوست خواهد کند ز ما یک لا قبایان